**انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی؛ فرصت‌ها و چالش‌های**

دکتر علی‌محمد نائینی[[1]](#footnote-1)

**چکیده**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون به ویژه در عرصه سیاسی و در فرایند تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اداره جامعه فراهم شد. براین اساس، به‌طور متوسط هر سال در کشور یک انتخابات برگزار شده و همواره مشارکت انتخاباتی ملت‌ ایران برای نظام پشتوانه جدی به شمار آمده است. به‌زعم دولت‌های غربي به ویژه امریکا حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 که به‌دلیل غفلت و جهالت برخي نخبگان سياسي به وجود آمد اعتماد ملی، مشروعیت، کارآمدی و انسجام بين مردم و حكومت را کاهش داده است. با توجه به ‌اینکه چالش‌های امنیتی انتخابات مي‌تواند، به اهداف مرجع در امنیت نرم از جمله روحیه ملی، اعتماد، مشارکت، انسجام، افکار عمومی، توان سیاسی و... آسيب رساند، در‌ این چارچوب و با توجه به شرایط پیچیده و حساس کشور در آستانه انتخابات مجلس نهم، مقام معظم رهبری برای مراقبت از امنیتی نشدن انتخابات تأکید فرموده‌اند. سؤال ‌این است، فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی انتخابات پیش‌رو چیست؟ راهکارهای برخورداری از انتخاباتی پرشور، با مشارکت حداکثری بدون چالش امنیتی کدام است؟ در ‌این مقاله تلاش گردیده انتخابات مجلس نهم و چالش‌های احتمالی امنیتی آن با رویکرد امنیت نرم مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهایی برای پیشگیری از امنیتی شدن انتخابات مجلس نهم شورای اسلامی ‌ارائه شود.

**واژگان کلیدی:** انتخابات، انقلاب رنگی، امنیت و امنیت نرم.

یکی از سطوح و عرصه‌های مهم مشارکت سیاسی، شرکت مردم در انتخابات است. کندوکاو در ادبیات موجود در مورد مشارکت سیاسی ‌این نکته را روشن می‌سازد که با وجود راه‌های گوناگون مشارکت و مداخله در سیاست، پژوهشگران توجه خاصی را به "انتخابات" و "مشارکت انتخاباتی" داشته‌اند. اهمیت مشارکت انتخاباتی سبب شده است که محور مشارکت اغلب بر مشارکت انتخاباتی بچرخد. دلیل واضح ‌این امر را هم می‌توان در اهمیت انتخابات در جوامع مختلف دانست به‌گونه‌ای که می‌توان گفت زندگی سیاسی شهروندان در دنیای کنونی تقریباً در انتخابات خلاصه می‌شود. در تعریفی از انتخابات گفته شده است: «انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است» (خداوردی، 1385، ص 35).

انتخابات نهم مجلس شورای اسلامی‌ در ‌ایران با توجه به شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای، وضعیت و صف‌بندی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی داخلی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.‌ این انتخابات در شرایطی برگزار می‌شود که جمهوری اسلامی ‌ایران با پیمودن مسیر مقاومت و پایداری در برابر فشارهای نظام سلطه، به قدرت برتر منطقه استراتژیک خاورمیانه تبدیل شده و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران مسائل بین‌المللی، در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت مؤثر جهانی است. موفقیت‌ها و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ‌از یک سو در داخل در مهار و مقابله با فتنه 1388 و شکست‌ها و ناکامی‌های امریکا و متحدین او در منطقة خاورمیانه از سوی دیگر، برخی از کشورهای غربی را نسبت به تحولات سیاسی منطقه و جهان در آینده نگران ساخته است. تحولات اخیر و بیداری اسلامی‌ در منطقه با الهام از انقلاب اسلامی‌ در حال به ثمر رسیدن است.‌ این تحولات به نظر بسیاری از صاحب‌نظران روز به روز بر عمق استراتژیک ‌ایران در منطقه و جهان افزوده است و سیاست‌های یکجانبه‌گراییِ متکی بر قدرت نظامی ‌امریکا را در منطقه با شکست کامل مواجه ساخته است.

در سال 1388 که انتخابات ریاست جمهوری در ایران برگزار شد، راهبرد غربی‌ها تأثیرگذاری بر فرایند و نتایج انتخابات متناسب با منافع غرب تعریف شده بود. در داخل ‌ایران، متأسفانه نتایج انتخابات توسط دو نفر از کاندیداها پذیرفته نشد و پس از اعلام نتایج انتخابات با القاء تردید و شبهه در سلامت انتخابات، مانور جمعیتی و لشکرکشی خیابانی در مقابله با نظام شکل گرفت و کشور را برای چندین ماه درگیر فتنه‌ای پیچیده با طراحی و حمایت دولت‌های خارجی نمود که با یاری خدای متعال و رهبری و مدیریت هوشمندانه مقام معظم رهبری مدظله العالی و بصیرت و اقدام ملت‌ ایران فتنه مهار و شکست خورد.

چالش‌های سیاسی – امنیتی به‌وجود آمده در انتخابات سال 1388 از یک سو و موفقیت جمهوری اسلامی‌ در مقابله و مهار آن چالش‌ها دشمن را به ‌این باور رسانده که همچنان نتایج انتخابات در ‌ایران برای کشورهای غربی هم متفاوت ارزیابی شد. بر همین اساس می‌توان گفت، نتایج انتخابات نهم مجلس شورای اسلامی ‌برای پیشبرد آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ‌همچنین استمرار حرکت بیداری اسلامی، پایداری و‌ ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی و فشارهای غرب در موضوعاتی چون مسئله هسته‌ای و دفاع از حقوق ملت مسلمان و مظلوم فلسطین می‌تواند متفاوت باشد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری در ارتباط با‌ این انتخابات فرمودند:

«امسال ما در آخر سال، انتخابات را داریم. انتخابات همیشه در کشور ما تا حدودى یک حادثة چالش‌برانگیز است. اگرچه در مقایسة با انتخابات‌هایى که در بعضى از کشورهاى دنیا چه کشورهاى به اصطلاح پیشرفته و چه بعضى از کشورهاى دیگر برگزار می‌شود که تویشان چه خباثت‌ها، چه خیانت‌ها، چه درگیرى‌ها، حتى چه کشت و کشتارها اتفاق مى‌افتد، بحمدالله ‌این حوادث در کشور ما نیست، اما بالاخره یک چالشى است؛ مردم را متوجه می‌کند. مراقب باشید ‌این چالش به امنیت کشور صدمه نزند. انتخابات که مظهر حضور مردم است، مظهر مردم‌سالارى دینى است، باید پشتوانة امنیت ما باشد. نباید اجازه داد که ‌این چیزى که ذخیرة امنیت است، پشتوانة امنیت است، به امنیت ما صدمه وارد کند. دیدید، حس کردید، از نزدیک لمس کردید آن وقتى را که دشمنان می‌خواهند از انتخابات علیه امنیت کشور سوءاستفاده کنند. باید همه مراقب باشند، همه به‌هوش باشند. آحاد مردم، مسئولان گوناگون، منبرداران سیاسى، کسانى که می‌توانند با مردم حرف بزنند، همه مراقب باشند، مواظب باشند؛ از انتخابات مانند یک نعمت الهى پاسدارى کنند» (خطبه نماز عید فطر 1389).

در‌ این چارچوب ضرورت دارد شرایط محیط داخلی و خارجی در آستانه انتخابات نهم مجلس شورای اسلامی ‌به شیوه‌ای روشمند و عمیق توسط صاحب‌نظران مورد بررسی قرار گیرد. چالش‌های احتمالی و آسیب‌پذیری‌های امنیتی آن انتخابات را پژوهشگران پیش‌بینی و مورد توجه قرار دهند. برای بهره‌گیری از ‌این فرصت پیش رو که نمایش مردم‌سالاری دینی در کشور است، به‌عنوان پشتوانه نظام همچون گذشته ‌اندیشه‌ورزی شود.

**کارکردهای انتخابات**

انتخابات در کنار دیگر سازوکارهای مشارکت شهروندان به صورت انفرادی یا جمعی، گروهی یا صنفی، همچنان به عنوان بارزترین و قابل ‌اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است (خداوردی، 1384، ص37). شرکت در انتخابات عام‌ترین، سهل‌ترین و کم‌هزینه‌ترین نوع مشارکت سیاسی است و یکی از معیارهای مناسب برای کشف میزان مشارکت سیاسی مردم می‌باشد و تا حدودی انگیزه‌ها و عوامل تشدیدکننده مشارکت را در عرصه فعالیت‌های سیاسی نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای انتخابات، قاعده‌مند کردن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر است. فقدان قاعده‌ای برای انتقال و توزیع قدرت سیاسی و مسئولیت اداره جامعه، پیامد سیاسی گوناگونی به دنبال می‌آورد. کسب قدرت از راه انتخابات، ضمن دارا بودن مقبولیت لازم از سوی مردم، مسالمت‌آمیزترین شیوه در دستیابی به قدرت سیاسی است.

انتخابات زمینه‌های لازم را برای گردش نخبگان فراهم می‌سازد. سازماندهی انتخابات واقعی، مشارکت و گسترش رقابت سیاسی بین گروه‌های مختلف سیاسی- اجتماعی، بستری مناسب برای رقابت تشکل‌های موجود در جامعه به وجود می‌آورد و حتی شرایط و زمینه‌های لازم را برای ظهور گروه‌های جدید سیاسی- اجتماعی فراهم می‌سازد. براین اساس، انتخابات، به مثابه عرصه مبارزه در رقابت گروه‌ها، تشکل‌ها، ‌اندیشه‌ها، طرح‌ها و دیدگاه‌ها، از طرفی با بسط علایق سیاسی در بین آحاد مردم آنها را به حقوق سیاسی خودشان آشنا و باور شهروندان را به رعایت ارزش‌های مردم‌سالارانه تقویت می‌کند و از سوی دیگر، رقابت مسالمت‌آمیز را بین گروه‌های سیاسی نهادینه می‌کند و موجب تقویت آنها می‌شود. در تبیین کارکردهای ویژه انتخابات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- انتخابات ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی دخالت داد.

2- مردم ضمن رأی دادن، به عنوان اقدامی ‌حقوقی- سیاسی، در حقیقت با برگزیدن نماینده یا نمایندگان خود در اداره امور سیاسی جامعه مشارکت می‌کنند.

3- از طریق انتخابات اعضای جامعه به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به سیاست عمومی ‌مداخله می‌کنند.

4- بارزترین و قابل ‌اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت مردم در عرصه سیاسی به شمار می‌آید.

5- پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد.

6- انتخابات قدرت نرم نظام را در بسیج سرمایه اجتماعی به نمایش می‌گذارد.

7- ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است.

8- ملاک خوبی برای ارزیابی میزان علایق و اعتماد مردم به نظام است.

9- بررسی انتخابات و مشارکت انتخاباتی به خوبی چگونگی رابطه متقابل جامعه و دولت را به نمایش می‌گذارد.

**اهمیت و جایگاه انتخابات در جمهوری اسلامی**

اولین نشانه مردم‌سالار بودن انقلاب اسلامی، حضور همه‌جانبة اقشار مختلف مردم در انقلاب بود. انقلاب اسلامی ‌بر خلاف بسیاری از انقلاب‌های مشهور قرون جدید که مبتنی بر منافع طبقاتی شکل گرفته‌اند یا توسط بخش خاصی از جامعه هدایت و حمایت شده‌اند و اهداف خاص قشری، طبقاتی، فرقه‌ای را هدف قرار داده‌اند، نهضتی بود که اهداف خود را منافع همه اقشار، طبقات و توده‌های ملت با همه اعتقادات و گرایش‌های مذهبی قرار داد و به دنبال شکل‌گیری نظامی ‌بود که تمامی ‌مردم ‌ایران در آن از حقوق اولیه انسانی برخوردار باشند. انقلاب اسلامی ‌با‌ این اهداف توانست اقشار مختلف جامعه را به صحنه مبارزه با رژیم کشانده و همه مردم را همراه نماید. از این‌رو، انقلاب اسلامی ‌را بی‌تردید می‌توان بزرگ‌ترین انقلاب مردمی ‌عصر حاضر نامید.

انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مسئولین نظام سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای حاکمیت مردم مورد توجه قرار گرفته است. مسئولین نظام جمهوری اسلامی ‌از همان ابتدای امر از طریق انتخاب مردمی‌ روی کار آمده و ‌این روند در طی سه دهه از عمر ‌این شجره طیبه ادامه یافته است و تقریباً هر سال شاهد برگزاری انتخابات و حضور با شکوه مردم در آن بوده‌ایم. در ‌این میان همه ارکان نظام به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق رأی ملت برگزیده شده‌اند و جایگاهی نیست که مردم در قدرت‌یابی آن نقشی نداشته و از دایره نظارت و کنترل مردمی ‌خارج مانده باشد. از ‌این جهت نظام جمهوری اسلامی‌ را می‌توان در بالاترین سطح نظام‌های انتخابی جهان قرار داد. رهبر معظم انقلاب اسلامی ‌به ‌این حقیقت اشاره دارند: «نظام جمهوری اسلامی ‌به معنای حقیقی کلمه، نظام مردم‌سالار و متکی به مردم است. شما ببینید هر سالی تقریباً یک انتخابات. کشوری با شصت، هفتاد میلیون جمعیت، هر سال یک انتخابات در همه شئون، از رهبری نظام گرفته تا رئیس جمهور، تا نمایندگان و تا شوراها. مردم ‌اینها را انتخاب می‌کنند و ‌اینها با انتخاب مردم سرِکار می‌آیند». انتخابات در ‌ایران ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی نیز دارد، به‌طوری که انتخابات در ‌ایران معنایی بیش از انتخاب شدن و انتخاب کردن دارد. برخی از ‌این ویژگی‌ها عبارت است از:

1- در جمهوری اسلامی ‌ایران به دلیل ویژگی‌ها و شرایط منحصر به فرد انقلاب اسلامی‌ و دشمنی و خصومت ذاتی قدرت‌های استکباری، در پس مشارکت سیاسی مردم به‌طور کاملاً آگاهانه، همواره‌ این هدف دنبال می‌شد که توطئه‌ها و دشمنی‌های غرب به ویژه با سردمداری امریکا را در پرتو برگزاری انتخابات خنثی سازند. بنابراین پیام انتخابات در ‌ایران نشانه‌ای از مشارکت سیاسی مردم و کارآمدی الگوی مردم‌سالاری دینی است که بر کاهش تهدیدات خارجی مؤثر است.

2- دشمنان انقلاب اسلامی ‌به عنوان بخشی از راهبرد فروپاشی از درون، تلاش می‌کنند به عنوان یک فرصت بر انتخابات ‌ایران تأثیر بگذارند و آن را به چالش کشند. تجربه انتخابات 1388 نمونه‌ای از آن است.

3- انتخابات در ‌ایران نمایش حضور مردم در عرصه‌های مختلف کشور است و اعتماد ملی، انسجام و علایق مردم به نظام را در داخل کشور به نمایش می‌گذارد. بنابراین برای پیشبرد اهداف نظام انتخابات پشتوانه‌ای جدی است.

4- برگزاری انتخابات متعدد، انتخاب آحاد مسئولان نظام به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق انتخابات و تقریباً به‌طور متوسط هر سال یک انتخابات در جمهوری اسلامی، سومین ویژگی انتخابات در ‌ایران است.

5- دسته‌بندی‌های سیاسی از یک سو و تعمیق نیافتن تحزب‌گرایی صحیح از سوی دیگر، باعث ‌ایجاد مخاطرات و چالش‌های زیادی برای کشور و مردم به ویژه هم‌زمان با برگزاری انتخابات شده است.

6- به جرئت می‌توان گفت مردم ‌ایران احساس مثبت و بسیار خوبی از برگزاری انتخابات دارند و تاکنون فعالانه در سرنوشت کشور مشارکت داشته و یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین عرصه مشارکت سیاسی خود را انتخابات می‌دانند.

**اهمیت، وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی‌**

مجلس شورای اسلامی‌ رکن اصلی [قوه مقننه](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D9%88%D9%87_%D9%85%D9%82%D9%86%D9%86%D9%87) در [نظام جمهوری اسلامی ‌ایران](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%85_%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1%DB%8C_%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86) است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل شده و مصوبات آن در صورت تأیید [شورای نگهبان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C_%D9%86%DA%AF%D9%87%D8%A8%D8%A7%D9%86) برای اجرا به [قوه مجریه ‌ایران](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D9%88%D9%87_%D9%85%D8%AC%D8%B1%DB%8C%D9%87) و [قوه قضائیه](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D9%88%D9%87_%D9%82%D8%B6%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D9%87_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86) ابلاغ خواهد شد (اصل 58 قانون اساسی). در میان انواع انتخاباتی که در جمهوری اسلامی ‌ایران برگزار شده است، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مشارکت سیاسی مردم ‌ایران انتخابات مجلس شورای اسلامی ‌است. بی‌تردید ‌این انتخابات یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در عرصه سیاسی کشور است که تأثیرات آن در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قابل بررسی و دقت نظر است. به‌طور کلی ‌این اهمیت و تأثیرگذاری را از دو جهت می‌توان بررسی کرد.

الف) نفس برگزاری انتخابات با آثار چشمگیر آن در مشارکت سیاسی و نمایش مردم‌سالاری؛ و

ب) انتخاب بیش از 300 نماینده برای مهم‌ترین جایگاه قانون‌گذاری برای مدت چهار سال.

براساس اصول قانون اساسی مهم‌ترین وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی ‌عبارت است از:

1- وضع، شرح و تفسیر قوانین عادی در عموم مسائل کشور (اصول 71 و72).

2- حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور (اصل 76).

3- تصویب عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‏‏های بین‌المللی (اصل77).

4- تصویب گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت (اصل 80).

5- تصویب استخدام کارشناسان خارجی در موارد ضرورت (اصل 82).

6- حق سؤال از رئیس جمهور و وزیران (اصل 86).

7- [استیضاح](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D8%B6%D8%A7%D8%AD) هیئت وزیران یا هر یک از وزیران (اصل 89).

8- رأی اعتماد به وزیران پیشنهادی دولت (اصل 85).

9- استیضاح و رأی به عدم کفایت رئیس جمهور (اصل 89).

10- مرجع رسیدگی به شکایات مردم از سایر قوا ( اصل 90).

**انتخابات بستر اصلی انقلاب‌های رنگی**

ثقل زمانی دگرگونی‌ و تغییر ساختارهای سیاسی که از آن‌ با نام انقلاب‌های رنگی[[2]](#footnote-2) یاد می‌شود، در دورة انتخابات است. انقلاب‌های رنگی، یکی از شيوه‌هاي براندازي نرم و از مصادیق فروپاشی از درون است. انقلاب‌هاي رنگي و مخملي در جوامع پسا كمونيستي در اروپاي مركزي، شرقي و آسياي مركزي اتفاق افتاد و واجد ویژگی‌های مشترک در علل و شکل تحول است؛ همه آنها بدون استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز و طی راهپیمایی خیابانی و با مانور جمعیتی به پیروزی رسیده‌اند. ‌این تحرکات با شعارهایی مبتنی بر [دمکراسی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%85%D9%88%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%B3%DB%8C)‌خواهی و [لیبرالیسم](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%84%DB%8C%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D9%85) هم‌زمان با انتخابات انجام گرفته‌اند. طراحی و مدیریت پشت صحنه انقلاب‌های رنگی، بر عهده سرویس‌های جاسوسی، رسانه‌ها و سفارتخانه‌های غربی بوده است و در نهایت تمرکز اصلی در انجام انقلاب‌های رنگین انتخابات می‌باشد بدین صورت که با اعلام تقلب در انتخابات از سوی مخالفان دو هدف عمدة ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن، با ناظرین بین‌المللی پیگیری می‌شود (نک، نائینی، 1388). در انقلاب‌های رنگین اعتراضات خیابانی بدون خشونت، اغتشاشات عمومی ‌همراه با خشونت کنترل شده، اعتصابات قشری گسترده (کارگری، کارمندی و ...) و تحصن عمومی ‌و بلندمدت با پوشش گسترده رسانه‌ای به‌ویژه در مجاورت مراکز حساس و حیاتی پایتخت‌ها روش‌های عمده اعتراضی مورد توجه شورشگران است. ویژگی و اقدامات محوری در انقلاب‌های رنگی عبارت است از:

1- غربي بودن انقلاب‌های رنگی: كساني كه در انقلاب‌های رنگین نقش داشته یا در تجمعات و حرکت‌های اعتراضی و خشونت‌آمیز شركت‌ كرده‌اند، خواسته‌هاي سیاسی، اجتماعي و فرهنگيِ هم‌سو با استاندارد‌هاي غرب داشته و مورد حمایت غرب قرار داشته‌اند. انقلاب‌هاي رنگين در واقع با الگوبرداري از ليبرال دمكراسي پيگيري مي‌شوند.

2- رسانه‌اي بودن انقلاب‌های رنگی: بدون حضور رسانه‌ها وقوع چنين انقلاب‌هايي امكان‌پذير نيست و فعاليت‌هاي رسانه‌اي در اين عرصه نيز از طريق نظرسازي و نظرسنجي و توليد خوراك براي كساني كه براندازي نرم را پيگيري مي‌كنند، صورت مي‌گيرد.

3- دو قطبي كردن جامعه مورد هدف: رسانه‌هاي غربي در آستانه هر انقلاب رنگين تلاش مي‌كنند جريان حاكم را به عنوان جريان سنتي، متحجر و ناكارآمد و غير دمكراتيك و در مقابل آن جريان غرب‌گرا را جرياني مدرن، كارآمد، دمكراتيك‌، اصلاح‌طلب و متعلق به توده‌ها معرفي ‌كنند.

4- تمرکز و توجه به موضوع انتخابات: جريان معتقد به انقلاب رنگين هميشه خود را پیش از انتخابات، پيروز انتخابات معرفي مي‌كند و تأكيد هم مي‌كند كه هر چه غير از پيروزي اين جريان رخ دهد، نشانگر بروز تقلب است و رسانه‌هاي غربي هم با حمايت از جريان یاد شده تلاش مي‌كنند نظريه فوق را به مثابة واقعيت به مردم القا و ادراک مردم و نخبگان را مدیریت کنند. اگر در جريان انتخابات طرف مدعيِ پيروزي رأي نياورد، جريان رهبري انقلاب رنگين، شايعه تقلب را مطرح مي‌كند و در چنين شرايطي به مانور جمعیت و لشکرکشی خیابانی، برگزاري تجمعات غيرقانوني و نافرماني مدني، تمسك مي‌جويد. در واقع تجمعات غيرقانوني اساس و ستون انقلاب‌هاي رنگين هستند. آنچه براي طراحان و عاملان انقلاب‌هاي رنگين اهميت دارد، اين است كه تجمعات پوشش رسانه‌اي داشته باشند تا به حالت "بهمن" درآيند و بر اين باورند كه رشد فزايندة تجمعات غيرقانوني باعث افزايش پوشش خبري آنها شده و پوشش خبري بيشتر موجب مي‌شود، تجمعات گسترده‌تر شوند و اين حركت همين‌طور رشد مي‌كند و از آنجا كه به‌طور معمول برپاكننده و هدايت‌گر تجمعات يك فرد است،‌ خبرها به صورت يكجانبه‌ به نفع او منتشر و طرف مقابل بايكوت خبري مي‌شود.

5- حمايت از كانديداي جناح غرب‌گرا توسط رسانه‌هاي غربي: در تمامی ‌انقلاب‌های رنگی رسانه‌ها جريان غرب‌گرا را پیش از انتخابات، به عنوان پيروز قطعي انتخابات معرفي كرده‌اند و پس از انتخابات هم كه جريان غرب‌گرا و كانديداي اين جريان نتوانست پيروز شود، بدون توجه به تذكرات مراجع قانوني اقدام به پوشش خبري تجمعات غيرقانوني می‌كند و تجمعات را اعتراضات به حقي كه مي‌تواند به جنبشي مدني تبديل شود و نظام را براي ابطال انتخابات تحت فشار قرار دهد، می‌داند. با بهره‌گیری از توضیحات بالا فرایند انقلاب‌های رنگی عبارت است از:

1- ایجاد ائتلاف گسترده بین مخالفان با هدف ‌ایجاد تغییر در کشور مورد هدف پیش از انتخابات.

2- گسست بین باورهای ذهنی و شناختی مردم از حاکمیت با متهم کردن نظام موجود به فساد سیاسی، ناکارآمدی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و با تکرار تقلب از پیش از انتخابات.

3- مانور و رویارویی جمعیتی بعد یا حین انتخابات با بهانه‌های مختلف از جمله جشن پیروزی یا اعتراض به نتایج انتخابات با بهره‌گیری از هیجانات اجتماعی.

4- ایجاد انفعال و ناکارآمدسازی توان نیروهای امنیتی با قفل شدن کارکرد نهادهای امنیتی در کشور به ویژه در مواجهه با مانور جمعیتی و لشکرکشی خیابانی.

5- تسخیر مراکز حساس و جابه‌جایی در قدرت.

نظريه‌پرداز اصلي انقلاب رنگی و یا تغییر به روش غیر خشنونت، جين شارپ[[3]](#footnote-3) است که برخی او را "کلاوزویتس مبارزات بدون خشنونت" می‌خوانند. او دكتر فلسفه و استاد علوم سياسي چندين دانشگاه امريكاست و ‌انديشكدة آلبرت اينشتين را با هدف گسترش تحقیق، مطالعه و آموزش در زمینه راهبردهای مبارزات بدون خشنونت بنا نهاده است. وی از اواسط قرن بيستم نظرية خود را تبيين و بسط داده و تاکنون سیزده کتاب به صورت آموزشی و با زبان ساده و با نگارشی که در اکثر فرهنگ‌ها قابل فهم است، نوشته و منتشر کرده است. معروف‌ترين كتاب وي تحت عنوان "از ديكتاتوري تا دمكراسي"[[4]](#footnote-4) است. اين كتاب كه خلاصه‌اي از مباني نظري و بيشتر با رويكردي عملي، آموزه‌هاي كودتاي نرم را بيان مي‌كند توسط مؤسسه آلبرت انیشتين به منظور استفادة "مبارزان راه دمكراسي" در رژيم‌هاي به زعم آنها ديكتاتوري، به زبان‌هاي مختلف از جمله در سال‌های اخیر به زبان فارسي ترجمه شده است. اين كتاب حدود 70 صفحه و شامل 10 فصل و يك پيوست مي‌باشد. در پيوست كتاب، 198 اقدام عملي پيشنهادي براي سرنگوني يك نظام سیاسی به روش براندازی نرم، شماره‌گذاري شده است. در آموزه‌های او انتخابات، رویدادی است که می‌توان با زیر سؤال بردن سلامت و نحوه مدیریت آن نظام‌های سیاسی مورد هدف را به چالش کشید.

بنیاد سوروس[[5]](#footnote-5) با نام اصلی [بنیاد جامعه باز](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D9%86%DB%8C%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87_%D8%A8%D8%A7%D8%B2)[[6]](#footnote-6) متعلق به [جرج سوروس](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%88%D8%B1%D8%AC_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%B3) است. هدف مؤسسه، آن‌طور که خود عنوان می‌کند‌ ایجاد و حفظ ساختارها و نهادهای [جامعه باز](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87_%D8%A8%D8%A7%D8%B2&action=edit&redlink=1) است، ولی به خاطر دست داشتن ‌این مؤسسه در [انقلاب‌های رنگی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8_%D8%B1%D9%86%DA%AF%DB%8C)، هدف اصلی ‌ایجاد ‌این مؤسسه را براندازی نرم و خاموش در کشورهای مختلف می‌دانند. سوروس در بیش از ۳۰ کشور جهان از جمله جمهوری‌های [آذربایجان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D8%B0%D8%B1%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D9%86)، [ارمنستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B1%D9%85%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، [ازبکستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B2%D8%A8%DA%A9%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، [اوکراین](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%88%DA%A9%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D9%86)، [تاجیکستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%A7%D8%AC%DB%8C%DA%A9%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، [روسیه](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D9%88%D8%B3%DB%8C%D9%87)، [گرجستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%AF%D8%B1%D8%AC%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، [قرقیزستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D8%B1%D9%82%DB%8C%D8%B2%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، [قزاقستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D8%B2%D8%A7%D9%82%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) و [مولداوی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%88%D9%84%D8%AF%D8%A7%D9%88%DB%8C) دارای نمایندگی‌های فعال است. بنیاد سوروس در پوشش مراکز مطالعاتی در کشورهای مختلف با ارزیابی مخالفان دولت موجود و حمایت از رسانه‌های مخالف دولت، زمینه را برای انقلابی آرام و به شکست کشاندن دولت یا حکومت با بهره‌گیری از فرصت‌های انتخاباتی فراهم ‌نموده ‌است. این بنیاد، در [گرجستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%AF%D8%B1%D8%AC%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) با صرف بیست میلیون دلار به حمایت از مخالفین [شوارد نادزه](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF_%D9%86%D8%A7%D8%AF%D8%B2%D9%87)[[7]](#footnote-7) برخاست. همچنین با هدف براندازی حکومت [تاجیکستان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%A7%D8%AC%DB%8C%DA%A9%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، در ‌این کشور از روزنامه‌های "روزنو"، "ارورود"، "اودامو اولام" و برخی رادیوهای خصوصی حمایت مالی کرد.

ساموئل ‌هانتینگتون نظریه‌پرداز یهودی امریکایی و مسئول هماهنگ‌کنندة "بنیاد طرح امنیتی شورای امنیت ملی امریکا" در سال 1992، یک‌سال پس از فروپاشیِ اتحاد جماهیر شوروی، کتابی تحت عنوان "موج سوم دمکراسی" منتشر کرد. او با رهیافت تجویزی، فرایند "دمکراسی شدن" یا "استحاله سیاسی" در رژیم‌های غیر دمکراتیک را آموزش می‌دهد. در یک تقسیم‌بندی نظام‌های سیاسی را به نظام‌هاي سياسي ليبرال "اقتدارگرا" و غيرليبرال "دمکراتیک" تقسیم می‌کند. او لازمه تغيير شكل حكومت‌هاي غيرليبرال را وجود يك گروه قدرتمند هوا‌خواه لیبرالیسم در درون نظام مورد هدف می‌داند، با دو شرط: نخست بتواند از طريق شيوه‌هاي قانوني همچون انتخابات به قدرت برسد؛ دوم بتواند استحالة سياسي و پروژه ليبراليزه كردن نظام را به نتیجه برساند. او جمهوری اسلامی ‌ایران را حکومتی غیرلیبرال و اقتدارگرا معرفی می‌کند و دستورالعملی را خطاب به "هواخواهان لیبرالیسم در ‌ایران" برای براندازی آن ارائه می‌دهد.

به‌دست گرفتن قدرت توسط هواخواهان لیبرالیسم ‌این توانایی را می‌بخشد که با به‌کارگیری نرم‌افزار اصلاحات، پروژه استحاله از درون و تغییر حاکمیت را به فاز رسمی ‌و قانونی منتقل کنند.‌ این مرحله مستلزم ورود اصلاح‌طلبان امریکایی و هواخواهان لیبرالیسم به مراکز اجرایی و قانونگذاری است. ‌هانتینگتون با تأکید بر موضوع کسب قدرت در دکترین استحاله از درون می‌نویسد: «اصلاح‌طلبان دمکراتیک نه تنها لازم است در درون رژیم اقتدارگرا وجود داشته باشند بلکه ‌باید در آن رژیم صاحب قدرت هم باشند». یکی از راه‌های کسب قدرت بهره‌گیری از فرایندهای انتخاباتی است.‌ هانتینگتون در بارة اهمیت انتخابات در تسریع پروژه استحاله از درون و تغییر حاکمیت می‌نویسد: «انتخابات راهی است که دمکراسی در پیش دارد، اما در موج سوم طریقی برای تضعیف و پایان دادن به رژیم‌های اقتدارگراست. انتخابات هم گردونه دمکراسی شدن است و هم هدف آن».

|  |
| --- |
|  |

**انقلاب رنگی؛ گزینه تغییر رژیم در‌ ایران**

"مایکل لدین" از نظریه‌پردازان مؤسسه امریکایی "اینتر پرایز" می‌گوید: «یک غرب متحد می‌تواند آن کاری را با ‌ایران انجام دهد که قبلاً برای اوکراین در انقلاب رنگی انجام داده است. همان انقلابی که پیش از این در گرجستان تحت عنوان انقلاب گل سرخ به راه‌ انداختیم و همان اقدام به رفراندوم که بر علیه چاوز در ونزوئلا انجام دادیم و پیش از آن در ‌هائیتی و باز هم پیش‌تر در نیکاراگوا و شیلی انجام داده بودیم، انجام خواهیم داد». مایکل لدین به صراحت می‌گوید: «انقلاب رنگی و رفراندوم در ‌ایران قرار است به همان اهداف و نتایجی منجر شود که کودتای خونین پینوشه بر علیه حکومت مردمی ‌سالوادور آلنده در سپتامبر 1973 و نبرد مسلحانه و وحشیانه باندهای سیاه کنترا مورد حمایت امریکا بر علیه حکومت انقلابیون ساندینیست در نیکاراگوا در همان جهت سازماندهی شده بود و‌ این قابل توجه تمام کسانی است که می‌خواهند معنای واقعی و صریح و ساده واژه‌هایی نظیر دمکراسی و دمکراسی‌خواهی و دمکراتیزاسیون را درک کنند» (خبرگزاری فارس، مرداد 1388). به زبان دیگر وزیر دفاع امریکا "لئون پانتا" اخیراً اعلام می‌دارد حمایت از فتنه سبز راهبرد اصلی امریکا علیه ‌ایران است: «به نظر می‌رسد دیر یا زود انقلابی در‌ ایران به وقوع بپیوندد، امریکا باید هر گام لازم را برای حمایت از جنبش سبز بردارد. جنبشی که خواهان تغییر و اصلاح است» (همان، شهریور1390). بیل کریستول یکی از نومحافظه‌کاران امریکا با رد امکان حمله نظامی ‌امریکا به ایران اعلام نموده: «بوش امروز به ‌این مسئله (حمله نظامی) فکر نمی‌کند، ما امیدوار هستیم که بتوانیم ‌این جنگ را به راه‌های سیاسی و دیپلماتیک هدایت کنیم» (سایت‌ ایران امروز، 22خرداد 1382). در ماه مي ‌سال 2007، روزنامه "ديلي تلگراف"، چاپ لندن گزارش كرد: «جان بولتون فاش كرد كه حمله نظامي امريكا به ايران گزينه آخري است كه پس از شكست تحريم‌هاي اقتصادي و تلاش براي برپایی يك انقلاب رنگی در ايران وجود دارد».

بهره‌گیری از رویدادهای اجتماعی و سیاسی در داخل‌ ایران و امنیتی نمودن آنها یکی از راهبردهای اصلی دولت‌های غربی به ویژه سرویس‌های جاسوسی، رسانه‌ها و مراکز و کانون‌های تفکر آنهاست. برخی از رویدادهای اجتماعی مانند مسابقات ورزشی بین تیم‌های اصلی کشور به ویژه با گرایش‌های قومی ‌و منطقه‌ای، ظرفیت‌ این را دارد که فضای رقابتیِ تند و هیجانی را، به چالشی امنیتی تبدیل کند. برخی از مناسبت‌ها و رویدادهای تاریخی و فرهنگی یا ناکارآمدی‌های نظام و آسیب‌پذیری‌های داخلی در حوزه‌های اجتماعی در صورتی که درست مدیریت و اطلاع‌رسانی به جامعه نشود، فرصت‌هایی را برای رسانه‌های غربی و اپوزسیون با هدف تولید چالش امنیتی فراهم خواهد کرد. انتخابات یکی از مهم‌ترین رویدادهای اجتماعی و سیاسی کشور است. در صورتی که مدیریت و سلامت آن توسط نخبگان، رسانه‌ها، گروه‌ها، جریانات درون نظام از پیش مورد سؤل قرار گیرد، فرصت‌هایی را برای دولت‌های معارض نظام، رسانه‌های غربی و اپوزسیون با هدف تولید چالش امنیتی فراهم خواهد کرد. یکی از مراکز تحقیقاتی در کشور معتقد است، بیش از 5000 صفحه مطلب در مراکز امنیتی و تحقیقاتی "قرارگاه‌های جنگ نرم دشمن" تئوریزه شده برای چگونگی تأثیرگذاری بر انتخابات ‌ایران وجود دارد. تجربه براندازی نرم در بیش از 30 کشور توسط غرب، تجربه فتنه سال 1388 در انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران و بررسی اسناد موجود، جای هیچگونه تردیدی را باقی نمی‌گذارد که یکی از راهبردهای اصلی غربی‌ها به ویژه امریکایی‌ها در مورد ‌ایران تأثیرگذاری بر انتخابات ‌ایران و امنیتی کردن آن است.

از توضیحات یاد شده به‌دست می‌آید که ايجاد انقلاب مخملين و رنگي در ايران از طريق نافرماني مدني بخشي از راهبرد امريكا براي تغيير ساختار جمهوري اسلامي ‌ايران از درون مي‌باشد كه تاكنون بارها طراحي شده اما در هر نوبت با شكست مواجه شده است. پيشينه انقلاب مخملي در ايران به سال 1378 و حادثة كوي دانشگاه باز مي‌گردد و شکل تکوین‌یافتة آن در انتخابات 1388 تکرار شد که با شکست روبه‌رو گشت. انقلاب مخملي عنوان یکی از گزینه‌های تئوریزه شده توسط یکی از برجسته‌ترین اتاق‌های فکر و مراکز تحقیقاتی و امنیتی امریکا یعنی "مرکز سابان" وابسته به مؤسسه "بروکینگز" است.‌ این سند شش ماه پیش از روی کار آمدن اوباما منتشر ‌شد و با بررسی محاسن و معایب نُه گزینه در بارة ‌ایران، گزینه انقلاب رنگی را مناسب‌ترين راه براي تغيير حكومت معرفی و از دولتمردان امریکایی می‌خواهد حمايت گسترده از انقلاب مخملي در ايران به‌عمل آورند. مهم‌ترین بخش‌های ‌این سند عبارتست از:

- گزينة انقلاب رنگی مناسب‌ترین راه برای تغییر رژیم‌ ایران و بهترين راه حل مشكلات امريكا با ايران است كه كم‌ترين هزينه را در بر دارد.

- هدف اصلي اين گزينه، براندازي حكومت ايران، و ايجاد حكومتي است كه بيشترين همراهي را با منافع امريكا داشته باشد.

- تعامل با اپوزيسيون داخلي جمهوري اسلامي، برگ برنده‌اي در دست امريكاست كه از طريق آن به ايران فشار وارد ساخته و رفتار حكومت ايران را تغيير دهد.

- انقلاب مخملي نيازمند وجود رهبران محلي در صحنه است، بنابراین چارچوب زماني آن منوط به شرايط حادث شده و پيدايش اين رهبران محلي، در آن شرايط خاص است كه ممكن است در چند هفته يا چند سال پديد آيد.

- اينكه چگونه مي‌توان جرقه‌اي زد تا انقلاب مخملي صورت گيرد، هنوز مبهم است، زيرا انقلاب‌هاي مخملي بسيار پيچيده‌اند.

- گفته مي‌شود كه مخالفان جمهوري اسلامي، علاقه‌مند به امريكا هستند، بنابراین مي‌توانند انقلابي را رقم زنند كه به منافع امريكا كمك كند.

- امريكا بايد چند نقش متفاوت را در تحقق انقلاب مخملي در ايران ايفا كند، از جمله واگذاري كمك‌هاي مالي و حمايت از رهبران محلي انقلاب مخملي.

- امريكا از طريق رسانه‌هايي كه تحت حمايت او هستند مانند صدای امریکا و راديو فردا، بايد افراد منتقد كم‌تر شناخته شده را به جامعة ايران معرفي كند.

- امريكا بايد اپوزيسيون ايراني و رهبران محلي اپوزيسيون را پيدا و حمايت كند.

- بايد دستگاه‌هاي امنيتي ايران كه توانمندي خود را اثبات كرده‌اند، در مقابله با انقلاب مخملي، نخواهند يا نتوانند برخورد كنند.

- از الزامات جدي انقلاب مخملي، نيازمندي به اطلاعات بي‌نظير و دقيق و همچنين پول قابل توجه است.

- امريكا بايد از رهبراني در انقلاب مخملي حمايت كند كه توانمند باشند و توسط دستگاه امنيتي ايران خريداري نشوند.

- متأسفانه ما (امريكا) در ايران سفارتخانه نداريم. جامعة اطلاعاتي امريكا (شامل 16 سازمان اطلاعاتي) بايد براي كسب اطلاعات از درون ايران به جست‌وجوي خود شتاب دهد.

- براي تحقق يك انقلاب مخملي، حكومت ايران بايد ارادة خود را براي برخورد و سركوب انتظامي ‌آن از دست بدهد.

- اگر تجمعاتي در ايران صورت گيرد و ارتش و سپاه پاسداران و بسيج و پليس، آنگونه تضعيف نشده باشند كه كنار بنشينند، در آن صورت امريكا بايد براي مداخلة نظامي ‌و دفاع از آن تجمع‌كننده‌ها آماده شود.

- تغيير حكومت از درون كم‌ترين هزينه و بيشترين فايده را دارد. اگر انقلاب مخملي موفق شود، امريكا يكي از دشمنان اصلي خود را از سر راه برداشته و هزينة آن بسيار ارزان‌تر از يك تهاجم تمام عيار بوده است.

- حتي اگر تحقق انقلاب مخملي امكان‌پذير نباشد، اما حمايت از كساني كه به چنين اقدامي ‌دست مي‌زنند از سوي امريكا، مي‌تواند موجب تضعيف حكومت ايران و تغيير رفتار آن شود.

**چالش‌های امنیتی انتخابات پیشین**

به باور بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، انتخابات 22 خرداد 1388 ریاست جمهوری ‌ایران، انتخاباتی شگفت‌انگیز، کم‌نظیر و پراهمیت بود؛ چه، در آن انتخابات حدود 85 درصد از ‌ایرانیان با رفتن به پای صندوق‌های رأی در آغاز چهارمین دهه انقلاب خویش، همانند انتخابات 12 فروردین سال 1358، دگرباره مقبول و مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی ‌ایران را به نمایش گذاشتند. شگفت‌انگیز بودن انتخابات 22 خرداد به ویژه از آن‌رو بود که سه دهه پس از وقوع انقلاب اسلامی ‌اغلب ‌ایرانیان داخل و خارج کشور، اعم از هر قشر و مذهب و گروه و قوم و دسته‌ای، نشان دادند که گذشت زمان و فزونی فاصله زمانی از وقوع انقلاب اسلامی ‌و از برگزاری اولین همه‌پرسی نظام در سی سال پیش، نه تنها آنها را از شرکت در کنش‌های سیاسی و انتخاباتی خسته ننموده است، بلکه تمایل و رغبت آنان را برای انجام چنین کنش‌هایی مضاعف ساخته است. نیازی به حجت نیست که چنین کنشی از نظر بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران سیاسی – اجتماعی، می‌تواند مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی حاکم را دو چندان سازد؛ چه، اغلب شهروندان جامعه، بدون هیچ فشار و اجباری و از سر رغبت و اشتیاق، بر اساس موازین و قوانین جامعه و در چارچوب اصول بنیادین نظام، به کاندیداهایی رأی داده‌اند که از سوی یکی از نهادهای نظارتی، یعنی شورای نگهبان قانون اساسی، تأیید صلاحیت شده بودند. به تعبیر روشن‌تر، مردم با رفتار انتخاباتی خویش افزون بر رأی دادن به نامزد مورد علاقه خویش، به نظام جمهوری اسلامی‌ نیز رأی آری داده و دگر باره اعتماد و علاقه‌مندی خود را به آن نشان دادند. علاوه بر این، در آغاز دهه چهارم انقلاب، ملت ‌ایران با حضور مثال‌زدنی و حداکثری خود در انتخابات ریاست جمهوری، نمایشی بی‌نظیر از مردم‌سالاری دینی و مشارکت عمومی ‌در تعیین سرنوشت کشور را در منظر جهانیان به نمایش گذاشت و در مقایسه با انتخابات ریاست جمهوری در کشورهای مدعی دمکراسی که تنها موفق به جلب مشارکت 35 تا 50 درصد از حائزین شرایط رأی می‌شوند، موفق شد آمار 85 درصدی مشارکت در انتخابات را به نام خود ثبت کند.

بلافاصله پس از اعلام نتایج انتخابات 22 خرداد، با اعتراض به نتیجه انتخابات، توسط برخی از کاندیداها و احزاب سیاسی شکست‌خورده در انتخابات، برخی از شهرهای ‌ایران به ویژه شهر تهران دستخوش وقوع ناآرامی‌ها و اعتراضات شد. گستردگی عملیات روانی و حجم فراگیر فعالیت‌های رسانه‌ای غرب علیه نظام جمهوری اسلامی، دستگاه‌ها و نهادهای مسئول و نیروهای امنیتی و انتظامی‌ درگیر حوادث را شاهد بودیم. مجموع‌ این رخدادها موجب شد، تا گروه‌ها، نهادها، رسانه‌ها و کارشناسان مختلف از حوادث و رخداد‌های دو ماه پس از برگزاری انتخابات 22 خرداد 1388، با اسامی ‌مختلفی نظیر بحران، جنبش اجتماعی، انقلاب یا کودتای مخملی، تهدید نرم، آشوب‌های شهری، اغتشاشات گسترده، فتنه، نارضایتی عمومی، جنبش سبز، نافرمانی مدنی و... یاد کنند. برخی تحلیل‌گران غربی پا را از آن فراتر نهاده و کنش‌های اعتراض‌آمیز دو ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم را بزرگ‌ترین چالش داخلی جمهوری اسلامی ‌در سه دهه گذشته، ارزیابی نمودند (فرید زکریا، 2009 و توماس فریدمن، 2009). ‌این تحلیل‌گران مدعی شدند که «اعتراضات گسترده پس از برگزاری انتخابات، مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی‌ را در دنیا و مقبولیت آن را در نزد افکار عمومی‌ داخلی، با چالش جدی روبه‌رو ساخته است». صرف‌نظر از ادعاهای تحلیل‌گران، ‌این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که اقدامات طرح‌ریزی شدة غرب برای تأثیرگذاری بر انتخابات دهم ریاست جمهوری، کنش‌های اعتراض‌آمیز و رفتار برخی از نخبگان سیاسی پس از انتخابات 22 خرداد، هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و معنوی زیادی را بر جمهوری اسلامی ‌و نهادهای آن تحمیل کرد. که بحمدالله با مواضع و تدابیر هوشمندانه و مدبرانه مقام معظم رهبری و بصیرت و حضور به لحظه مردم ‌ایران به ویژه در حماسه ماندگار و تاریخی 9 دی 1388 خنثی گردید.

در هر صورت، انتخابات دهم ریاست جمهوری و رخدادهای پس از آن نشان داد که انتخابات در ایران می‌تواند به تعبیر مقام معظم رهبری که تاکنون، پشتوانه بوده توسط دشمنان خارجی و با غفلت نخبگان کشور به چالش امنیتی تبدیل شود. یادآوری ویژگی‌ها و شرایط انتخابات دهم ریاست جمهوری می‌تواند کمک نماید تا با تدبیر و هوشمندی لازم از امنیتی شدن انتخابات مجلس نهم پیشگیری گردد و به رویدادی مهم در نمایش مردم‌سالاری دینی و تقویت مؤلفه‌های قدرت نرم نظام تبدیل شود. به‌طور خلاصه ویژگی‌ها و شرایط انتخابات دهم ریاست جمهوری را می‌توان در دو مقطع (قبل، حین و پس از انتخابات) به شرح زیر توصیف کرد:

الف) پیش از انتخابات

- شور و حال بی‌سابقه مردم‌ ایران

- بروز پدیده تجمعات و مراسم خیابانی شبانه طرفداران نامزدها در عین بردباری و تحمل یکدیگر در مراکز استان‌ها به ویژه در تهران؛

- بروز تحولات و پدیده‌های جدید از جمله رنگ و نماد در تبلیغات انتخاباتی؛

- نمایش ظرفیت و تحمل بالای نظام در بسترسازی برای رقابت انتخابات؛

- مناظره‌های زنده بین نامزدهای انتخابات به عنوان یک پدیدۀ بی‌سابقه در رسانه ملی و ‌ایجاد شور و نشاط انتخاباتی ناشی از آن؛

- تلاش فراوان برای دوقطبی شدن فضای انتخابات و محدود شدن گزینه‌ها به دو گزینه اصلی؛

- افزایش بی‌سابقه بداخلاقی‌های انتخاباتی و رفتارهای تند و بی‌منطق از سوی کاندیداها و طرفداران آنها؛

- حضور فعال و مشارکت بی‌سابقة فرقه‌ها، احزاب موافق و مخالف در صحنه انتخابات (دعوت بی‌سابقه همه گروه‌های مخالف و تحریم‌کنندگان دوره‌های پیشین، به شرکت مردم در انتخابات)؛

- تغییر موضع برخی از کاندیداهای انتخاباتی به سوی مواضع اپوزیسیون نظام و ‌ایجاد هم‌گرایی در بین آنها؛

- القای برگزاری رفراندوم نسبت به کلیت نظام و گاه شعار تغییر قانون اساسی در سایه انتخابات ریاست جمهوری؛

- متهم کردن رسانه ملی به جانبداری از کاندیداهای خاص و تلاش برای بی‌اعتمادی مردم به رسانه؛

- راه‌اندازی کمیته صیانت از آراء توسط ستاد یکی از کاندیداها؛

- متهم کردن نیروهای نظامی‌ و بسیج به جانبداری از کاندیداهای خاص؛

- ایجاد شبهه درباره امانتداری مسئولان و نهادهای قانونی برگزارکننده انتخابات؛

- ایجاد نگرانی از تقلب در انتخابات توسط برخی از خواص و کاندیداها؛

- القای تقلب گسترده در انتخابات آتی توسط برخی رسانه‌های خارجی؛ و

- القای پیروزی زود هنگام توسط طرفداران یکی از کاندیداها پیش از برگزاری انتخابات؛

ب) حین انتخابات

- حضور بی‌نظیر و نصاب‌شکن ملت ‌ایران در انتخابات؛

- نمایش شگفت‌انگیز اعتماد، وفاداری و مقبولیت نظام توسط مردم‌ ایران؛

- اعلام پیروزی یکی از کاندیداها یک ساعت پیش از اتمام رأی‌گیری توسط ستاد وی؛

- انجام مصاحبه و فضاسازی تبلیغی در روز انتخابات توسط برخی از خواص و کاندیداها در جهت ‌ایجاد نگرانی از تقلب؛ و

- اعلام تجمع ساعت 11شب (روز 23خرداد) در جلوی وزارت کشور پیش از اعلام نتایج انتخابات.

ج) پس از انتخابات

- تمکین نکردن نامزدهای شکست‌خورده به نتایج انتخابات و آراء مردم؛

- صدور بیانیه‌های پی در پی و ساختارشکن توسط دو نفر از کاندیداها و احزاب و گروهای سیاسی؛

- آغاز آشوب‌ها و حمایت‌های رسانه‌های خارجی از اغتشاشات در فرایند ‌ایجاد انقلاب مخملین؛

- اعلام مواضع علنی سران غرب در حمایت از حرکت‌های اعتراضی و آشوب‌ها به عنوان حرکت مدنی؛

- هجمه شدید، بمباران تبلیغاتی، افزایش روزافزون شبهات نسبت به صحت انتخابات در سطح جامعه؛

- لشکرکشی خیابانی در اعتراض به نتایج انتخابات توسط یکی از کاندیداها؛

- بروز آشوب‌های خیابانی، قتل و غارت و ‌ایجاد ناامنی و شرایط خاص در تهران؛

- شکسته شدن حریم‌ها و حرمت‌ها؛

- تجلی پدیده "ایران فقط شمال تهران" در مطالبات آشوبگران؛

- حضور فعال رسانه‌های غربی به ویژه بی.بی.سی در هدایت آشوب‌ها و جنگ تبلیغاتی؛

- فعالیت بی‌نظیر شبکه‌های مجازی غربی و ضد انقلاب در فضای سایبر، در تولید و القاء سوژه‌های مختلف عملیات روانی علیه انقلاب اسلامی؛

- تلاش برای ‌ایجاد تردید در باورهای مردم به امانتداری، اصالت و ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی؛ و‌

- تلاش اغتشاشگران برای تلخ کردن شیرینی حضور 40 میلیونی مردم در پای صندوق‌های رأی.

تحلیل و بررسی رسانه‌های غربی نشان می‌دهد، با تدابیر از پیش ‌اندیشیده شده، جنگ نرم گسترده‌ای علیه جمهوری اسلامی‌ در حوادث پس از انتخابات طراحی و اجراء شد. آن رسانه‌ها با بهره‌گیری از اصول و فنونی نظیر تکرار، القا و بهره‌گیری از تهییج، دروغ بزرگ، شایعه، نامگذاری، تشابه و تداعی، بزرگ‌نمایی، تحقیر، تخدیر و غیره ‌کوشیدند تا به بزرگ‌نماییِ اعتراضات داخل و خارج ‌ایران بپردازند و آن را به عنوان یک جنبش فراگیر اجتماعی، تحت عنوان "جنبش سبز" به منزلة حرکت فراگیر مردم ‌ایران علیه نظام معرفی کنند. ذکر برخی شواهد درستی ‌این ادعا را نمایان می‌سازد (نک، الیاسی و همکاران، 1388):

- جست‌وجوگر گوگل بلافاصله پس از انتخابات، نرم‌افزار مترجم خود را فعال نمود تا امکان ترجمه پیام‌های فارسی به زبان‌های دیگر یا از زبان‌های دیگر به فارسی را فراهم سازد، اقدامی‌که قرار بود چند ماه بعد صورت گیرد.

- سایت‌های توئیتر و فیس‌بوک امکان بهره‌گیری فزون‌تر را برای کاربران ‌ایرانی فراهم ساختند، به‌گونه‌ای که ‌این دو سایت به رسانه‌ای برای معترضان و اغتشاش‌گران تبدیل شدند.

- شبکه تلویزیونی بی.بی.سی از روز انتخابات تا چند روز پس از آن برنامه‌های خود را از 7 ساعت به 24 ساعت افزایش داد.

- رؤسای چند کشور اروپایی و امریکا به صورت مستقیم علیه نظام موضع‌گیری کرده و شایعه تقلب در انتخابات را به عنوان واقعیت به شهروندان خود معرفی کردند.

- بلافاصله پس از پروژه‌های کشته‌سازی کسانی همچون ندا آقاسلطان، تصاویر تولید شده در هزاران سایت و رسانة خارجی انعکاس یافت.

القای شبهات و جنگ نرم در رسانه‌های معاند و معارض نظام بر محورهای مهم ذیل در انتخابات انجام ‌گرفت:

تقلب در آراء و تخلفات انتخاباتی

القای نقش بسیج و نیروهای نظامی ‌و انتظامی ‌در تغییر نتایج انتخابات

تلاش برای امنیتی کردن فضای داخلی کشور

زیر سؤال بردن بی‌طرفی صدا و سیما

القای اعتراض عمومی ‌مردم‌ ایران به نتایج انتخابات

ترسیم فضای سرکوب و خفقان و نقض حقوق شهروندی

القای گسترش روزافزون اعتراضات به سراسر کشور

القای مخالفت مراجع، علما، نخبگان با نتایج انتخابات

ارائة تصویری مشوش و آشفته از اوضاع داخلی

ایجاد ابهام در سلامت انتخابات

برجسته‌سازی محدودیت رسانه‌ای در ایران

کشورهای غربی به سردمداری امریکا در نقش یکی از بازیگران صحنه انتخابات کشور از مدت‌ها قبل بسیار علاقه‌مند بودند تا در عرصه انتخابات نقشی مؤثر داشته باشند. هر چند تلاش‌های فراوان آنها در دوره‌های پیشین با عدم استقبال ملت ‌ایران با شکست سنگین مواجه شد، اما آنها دست از تلاش برنداشته و هرچند ناامیدانه، لیکن به فعالیت‌های خود در این دوره از انتخابات نیز ادامه دادند. در جریان انتخابات، امیدهایی برای غرب ‌ایجاد شد و آنها احساس کردند یک پایگاه مردمی ‌14 میلیونی در داخل جامعه پیدا کرده‌اند. در موضوع ‌ایجاد شکاف میان نخبگان و رهبری و خدشه‌دار کردن وحدت ملی نیز احساس امید کردند. غرب و امریکایی‌ها از به کار گرفتن امکانات رسانه‌ای و استفاده از هنر دیپلماسی عمومی ‌برای تحت فشار قرار دادن ‌ایران هیچ‌گونه دریغ نکردند آنها تلاش فراوانی در ایجاد اجماع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ‌و کاهش مشروعیت داخلی و خارجی نظام هم‌زمان با انتخابات انجام دادند. بر اساس آنچه گفته شد مهم‌ترین مواضع و راهبرد‌های غرب در قبال انتخابات دورة دهم ریاست جمهوری ‌ایران به این شرح است:

1- تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی از طریق صدور قطعنامه‌های جدید؛

2- تلاش برای تأثیر گذاشتن بر آرای مردم در انتخابات؛

3- برانگیختن جمعیت‌های خاموش برای تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات؛

4- حمایت از کاندیدای مرعوب و جلوگیری از تکرار دولت نهم؛

5- تشکیک در نتیجه انتخابات و دامن زدن به پروژه تقلب؛

6- بحرانی جلوه دادن اوضاع کشور پس از انتخابات؛ و

7- بزرگنماییِ اختلافات حاکمیت در مدیریت انتخابات.

**اهداف مرجع امنیت در انتخابات**

امنيت ملی مفهومي ‌نسبي، چندبعدی، پیچیده و میان‌رشته‌ای است زيرا؛ امنيت پيچيدگي مفهومي ‌دارد، مرز مفهومی ‌و کاربردی آن با مفاهیمی ‌همچون صلح، رفاه، عدالت و ... روشن نیست. برخی امنيت را به دفاع نظامي ‌در مقابل تهديدات خارجي محدود کرده‌اند، برخی ديگر با عنايت به تهديدات نوظهور، ايده امنيت را به همه چالش‌ها و عوامل بي‌ثبات‌كننده داخلي و خارجي گسترش داده‌اند. اهداف مرجع، ساختار و الگوهاي امنيتي در كشورها كاملاً متفاوت است. مفهوم امنيت ملی، عمدتاً تحت تأثير ادبیات نظری امنیتِ سخت و سرزمین است. امنیت ملی با ارزش‌ها و منافع ملی، ماهیت تهدید و قدرت در کشورها ارتباط دارد. دولت‌ها در برآورد امنیت دچار اغراق یا غفلت امنیتی هستند، تهدیدات امنیتی به ویژه تهدیدات نرم را نمی‌بینند یا بی‌جهت هر پدیده داخلی را امنیتی می‌کنند. با توجه به اين توضيحات مي‌توان گفت: تعريف امنيت ملي به پيش‌فرض‌هاي تعريف‌كننده، بستگي دارد و به عبارتي زمان‌مند و مكان‌مند است، در حقيقت مصادیق امنیت را باید از درون گفتمان‌هاي گوناگون یافت. با وجود اين، وجه غالب تعاريف اين است كه، امنيت ملي وضعيتي است كه يك كشور نسبت به منافع و ارزش‌هاي حياتي خودش، تهديدي احساس نكند. وضعيت امن، وضعيتي است كه يك دولت مي‌تواند با توجه به منافع و ارزش‌هاي حياتي و دركي كه از تهديد و عناصر مشكل‌ساز در داخل و خارج از کشور دارد، تعريف كند. همچنین منافع و ارزش‌هاي حياتي خود را حفظ و توسعه دهد. تهدیدات و چالش‌های امنیتی سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه است (نک، نائینی، 1387). مطالعات امنيت ملي در چارچوب دو گفتمان منفي و مثبت معرفي شده است (افتخاري، 1384، صص 18-8).

در گفتمان سلبي، امنيت با نبود عامل ديگري كه از آن به تهديد ياد مي‌شود، تعريف مي‌شود. اين گفتمان پيشينه تاريخي طولاني دارد. شاخصه بارز آن، تأكيد بر بعد نظامي ‌و تهدید خارجی در تحليل‌ها و برآوردهای امنيتي است. در اين ديدگاه، براي افزايش امنيت و مقابله با تهديد، افزایش توان نظامي ‌توصيه مي‌شود. نقد گفتمان سلبيِ امنيت ملي با طرح اين ادعا كه بعد نظامي، توان تحليل همه‌جانبه مسائل امنيتي را ندارد تحول تازه‌اي در مطالعات امنيتي به وجود آورد كه باور اصلي آن، تأكيد بر مؤلفه‌ها و ابعاد امنيت است. بر این اساس، امنيت پديده‌اي متأثر از پديده‌هاي مختلف مادي – ذهني معرفی می‌شود. صاحب‌نظران امنیتی معتقدند به تبع تحولاتي كه در مفهوم قدرت و ابعاد آن به وجود مي‌آيد مفهوم امنيت هم متحول مي‌شود. از این‌رو، گفتمان امنيت سلبی در رويارويي با چالش‌هاي نظری پايان قرن بيستم ميلادي و شرايط متحول جهاني قرن بيست و يكم ميلادي دچار كاستي و سردرگمي ‌بود (افتخاري، ص 138). رابرت ماندل از پژوهشگران برجسته در اين حوزه مطالعاتي مي‌گويد:

«مشكل اصلي در دامنه امنيت ملي است كه در اين زمينه هر دو طرف بحث در گفتمان امنيت ملي، مواضع افراطي دارند، عده‌‌اي با چارچوب‌هاي فكري سنتي مي‌گويند، امنيت بايد به دفاع نظامي ‌در مقابل تهديدات خارجي محدود باشد، در حالي كه عده ديگر با عنايت به تهديدات مشترك و در حال گسترش جهاني، مي‌خواهند ايده امنيت را گسترش دهند كه شامل همه گرايش‌هاي نامطلوب و بي‌ثبات‌كننده داخلي و خارجي براي يك ملت شود» (ماندل، 1379، ص 27).

در گفتمان جديد امنيت ملي، سعي بر آن است تا با پرهيز از سلبي‌نگري صرف به بعد ايجابي امنيت نيز توجه شود و بدين ترتيب تصويری جامع‌تر از امنيت ارائه شود. در اين گفتمان امنيت به نبود تهديد تعريف نمي‌شود بلكه افزون بر نبود تهديد، وجود شرايط مطلوب براي تحقق اهداف و خواسته‌هاي ملي نيز مدنظر مي‌باشد. اين رويكرد براي امنيت، ماهيت تأسيس قائل است و بر اين باور است كه امنيت تنها در وضعيتي وجود دارد كه آن جامعه در سطح قابل قبولي از اطمينان براي تحصيل و پاسداري از منافع ملي‌اش دست يافته باشد. امنيت ملي در اين گفتمان عبارت است از: «توانايي و شرايط عيني كه در بستر آن مي‌توان به منافع ملي دست يافت» (ماندل، 1379، ص 16). در اين ديدگاه امنيت ملي، حتي نسبت به منافع ملي از اولويت برخوردار است، چرا كه تحقق و عدم تحقق منافع ملي در گرو بود يا نبود امنيت است، بر اساس اين ديدگاه، جامعه‌اي كه در عين نبودن تهديد خارجي يا داخلي، توان لازم براي دستيابي به منافع ملي‌اش را نداشته باشد در وضعيت امن نبوده و ناامن ارزيابي مي‌شود. با توجه به آنچه گفته شد،‌ این تعریف را می‌توان از امنیت ملی ارائه نمود. در اين تعريف ابعاد مادي و معنوي، سلبي و ايجابي و سطوح مختلف امنيت و تهديد مورد توجه قرارگرفته است. «امنيت ملي، شرايطی است كه یک ملت و نظام سیاسی می‌تواند، در چارچوب آن اهداف و ارزش‌هاي پایه‌ای (مادی و معنوی) خويش را در محیط ملی و فراملی گسترش و توسعه دهد و آنها را در برابر تهديدات داخلي و خارجي، بالقوه و بالفعل، نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه حفاظت کند».

بین ماهیت تهدید امنیتی نرم و تهدید امنیتی سخت، تمایزات آشکاری وجود دارد. در حال حاضر تعریف روشنی از امنیت نرم ارائه نشده و کشورهای مختلف بر اساس شرایط خود به تعریف ‌این واژه می‌پردازند و حتی می‌توان گفت که از نظر برخی دولت‌ها، امنیت نرم اصلاً امنیت تلقی نمی‌شود. امنيت نرم مهم‌ترين و نامحسوس‌ترين بعد امنيت ملي است و تهديدات نرم هر كشور از پيچيده‌ترين اشكال تهديد عليه امنيت ملي آن كشور است. تأكيد بر عناصر و ارزش‌های سیاسی و فرهنگی به عنوان بنیاد امنيت ملي كشورها، با رویکردهای نظری جدید از امنيت ملي و گفتمان ‌ایجابی تناسب دارد. با اين رويكرد مي‌توان امنيت نرم را شرايطي دانست كه طي آن يك ملت بتواند ضمن حفظ ارزش‌های فرهنگی و سیاسی پایه‌ای خویش، الگوهای رفتاری نظام سیاسی را در محیط داخلی و خارجی نهادینه و گسترش دهد. تهدید نرم در این چارچوب به معنای تهدید تضعیف و تغییر ارزش‌های فرهنگی و سیاسی پایه‌ای و الگوهای رفتاری نظام سیاسی در عرصه‌های مختلف است. براين اساس و با توجه به تعريفي كه از امنيت نرم ارائه شد، اگر یک نظام سياسي قادر نباشد گفتمان مسلط فرهنگي تولید نماید و به شكل‌ مؤثر ارزش‌های فرهنگي را در جامعه ترويج کند، خود زمينه را براي رسوخ سایر فرهنگ‌ها فراهم مي‌آورد و امنيت ملي، ثبات سياسي و بقاء نظام سياسي خود را به مخاطره خواهد ‌انداخت.

اهداف مرجع امنیت، اهدافی هستند که از لحاظ وجودی در معرض تهدید باشند و ادعای مشروع ادامه بقا را در چارچوب امنیت ملی با خود به همراه داشته باشند. براین اساس، شناسایی اهداف مرجع در بحث امنیت نرم اهمیت خواهد داشت. صاحب‌نظران در این خصوص اهداف مختلفی را مطرح کرده‌اند که برخی از مهم‌ترین اهداف مرجع در چارچوب امنیت نرم عبارتند از:

ایدئولوژی دولت

ایدئولوژی یا ‌ایده دولت، در واقع اصول و عقاید اساسی و منطق راهنمایی عمل یک دولت است. یک ‌ایدئولوژی زمانی می‌تواند به عنوان ‌ایده دولت انتخاب شود که قدرت سازمان‌دهنده داشته باشد.‌ ایده دولت می‌تواند مبتنی بر ملیت، مبتنی بر یک مکتب فکری یا دینی یا مبتنی بر آرمان‌ها یا اهداف ملی باشد.‌ ایده مبتنی بر ملیت، همان ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم است. ‌ایده مبتنی بر یک مکتب فکری یا دینی مانند لیبرال‌دمکراسی برای امریکا، صهیونیسم، برای رژیم اشغالگر قدس و اسلام برای جمهوی اسلامی ‌ایران و نیز مبتنی بر اهداف ملی مانند ایده برتری نژاد برای آفریقای جنوبی آپارتاید است (بوزان، صص 106- 105).

ایده دولت به عنوان موضوع یا هدف مرجع اساسی امنیت ملی، وقتی به یک مسئله امنیتی تبدیل می‌شود که در درجه اول به‌طور ضعیف در جامعه جا گرفته باشد؛ یعنی نتواند معدلی مناسب از عقاید و نگرش‌های آحاد جامعه باشد. به بیان دیگر، به شکلی گسترده بازتاب‌دهنده گرایش آحاد مردم و نهادهای جامعه نباشد. از سوی دیگر، وقتی در برابر ایده دولت، ‌ایدئولوژی یا ‌ایدئولوژی‌های مخالف شکل گرفته باشد و ‌ایده دولت را به چالش فراخواند یا ‌اینکه‌ ایده دولت نتواند با مقتضیات و شرایط زمانی، جغرافیایی، فرهنگی خود انطباق یابد؛ یعنی کارایی لازم را نداشته باشد و در نهایت ‌اینکه ‌ایده دولت از سوی ‌ایده دولت‌های دیگر به علت تضادها یا اختلاف‌ها به چالش کشیده شده باشد، مجموعه ‌اینها عواملی است که ‌ایده دولت را به مسئله امنیت ملی تبدیل می‌کند (قیومی، فصلنامه علوم سیاسی، ش1، تابستان 77).

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی را می‌توان به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها تعریف کرد که شهروندان به وسیله آن در جست‌وجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی می‌باشند.[[8]](#footnote-8) بنابراین مردم در یک جامعه به انحای مختلف با دولت خود رابطه دارند. نوع مشارکت مورد نظر جمهوری اسلامی‌ که در قانون اساسی به آن تصریح شده، مشارکت فعال است؛ یعنی مشارکتی که هم برای حمایت از نظام سیاسی است و هم برای حضور در رقابت و نفوذ در سیاست‌های نظام سیاسی کشور. مهم‌ترین و اصلی‌ترین معیار سنجش مشارکت سیاسی، حضور مردم در انتخابات است. بنابراین، هر قدر آرای مردم در این نوع انتخابات بیشتر باشد، ثبات سیاسی کشور به عنوان یک رکن امنیت ملی تقویت خواهد شد و هر قدر میزان حضور در انتخابات کمتر باشد، خود می‌تواند به تزلزل ‌ایدئولوژی دولت و مشروعیت نظام سیاسی منجر شود.

کارآمدی حکومت

این هدف مرجع را می‌توان به توانایی دستگاه‌های دولتی در انجام درست و مؤثر وظایف قانونی و مورد انتظار جامعه معنا کرد. براین اساس، می‌توان کارآمدی را به توانمندی حکومت در حل مسائل و مشکلات مردم، توانمندی حکومت و دستگاه‌های تابعه در انجام امور ذاتی دولت‌ها به خصوص حفظ امنیت کشور و توانمندی دولت در انجام کارهای درست تفسیر کرد. مرکز ثقل معیارهای کارآمدی حکومت، رضایتمندی مردم است؛ یعنی چنانچه بخواهیم متوجه شویم یک دولت تا چه‌اندازه کارآمد است، بهترین ملاک سنجش در چارچوب معیارهای سه‌گانه، سنجش میزان رضایتمندی مردم است. هر چند ممکن است رضایتمندی مردم به طور کامل انعکاسی از کارآمدی یا ناکارآمدی حکومت نباشد و گاه تبلیغات سوء بیگانگان یا فقدان اطلاع‌رسانی و تبلیغ مناسب حکومت، دولت‌ها را تا حدودی نزد افکار عمومی ‌آنگونه که شایسته است کارآمد نشان نداده باشد؛ با وجود ‌این، رضایتمندی همچنان یک ملاک مناسب در تشخیص کارآمدی حکومت است.

**انسجام اجتماعی**

پیشرفت هر جامعه‌ای تابع انسجام آن جامعه است. تا هنگامی‌ که عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی و به خصوص فرهنگیِ جامعه‌ای از انسجام و منطق درونی برخوردار نباشند نمی‌توانند مجموعه آن جامعه را در مسیر پیشرفت، توسعه‌یافتگی و در نهایت، برخورداری از امنیتی پایدار سوق دهند. یکی از مؤلفه‌های مهم در ایجاد انسجام آحاد مردم جامعه، وجود حس مشترک مبنی بر داشتن منافع مشترک است. به طور معمول ‌این حس در گذر زمان شکل می‌گیرد و هر چه ریشه در گذشته دورتر داشته باشد از استحکام بیشتری برخوردار است (سریع‌القلم، 1382، ص 33).

**افکار عمومی**

یکی از مهم‌ترین اهداف مرجع در امنیت نرم، افکار عمومی ‌است. بازیگران سیاسی اعم از دولت‌ها، احزاب و سازمان‌های اطلاعاتی، به دنبال جذب عموم به مسائل خاص و مورد علاقه خود یا بیان مسائل خاص و مورد علاقه خود یا بیان مسائل به شیوه‌های خاص برای پراکنده شدن عموم از پیرامون می‌باشند (سریع‌القلم، 1382، صص 67-66). در امنیت نرم، تربیت افکار عمومی ‌و افزایش دانش و آگاهی از اهداف اساسی است؛ زیرا افکار عمومی‌ در عصر امکانات، بسیار شکننده و در ضمن از قدرت تأثیرگذاری بالایی برخوردار است.

**ویژگی‌ها و شرایط انتخابات نهم مجلس**

نهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی‌ در دهه چهارم پیروزی انقلاب اسلامی ‌ایران می‌تواند یکی از پرشکوه‌ترین، رقابتی‌ترین و در همین حال حساس‌ترین انتخاباتی باشد که پیامدها و تأثیراتی شگرف بر امنیت ملی کشور در بر داشته باشد. ‌این انتخابات با توجه به حوادث و حواشی انتخابات دهم، امکان برنامه‌ریزی و امید را برای به چالش کشیدن نظام از طریق انتخابات در غربی‌ها تقویت کرده است. پس از اظهارنظرهای غربی‌ها و اقدامات مورد توجه کانون‌های تفکر در غرب می‌توان گفت، بروز حوادث انتخابات دهم ریاست جمهوری موجب شد رهیافت انقلاب رنگی به‌عنوان یک گزینه مؤثر همچنان مورد توجه بیشتری قرار گیرد و امید غرب در رهیافت فروپاشی از درون افزایش یابد.

انتخابات برخوردار از مجموعه‌ای از ظرفیت‌های تهدیدزا و فرصت‌آفرین است. از یک سو ‌این انتخابات شاخصی برای ارزیابی ظرفیت‌های نافرمانی مدنی و قدرت بسیج اجتماعیِ جریانات تجدیدنظرطلب است. از سوی دیگر سطح مقبولیت، کارآمدی و مشرکت سیاسی مردم را به نمایش می‌گذارد. به عبارتی انتخابات مجلس نهم می‌تواند به ویژه در شرایط حساس فعلی، هم میزان واگرایی سیاسی و هم میزان همگرایی سیاسی را به نمایش گذارد. همچنین می‌تواند، میزان چالش‌های امنیتی کشور و میزان قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی‌ را به نمایش گذارد.

1- فضای پیش‌رو و قبل از انتخابات مجلس نهم فضایی همراه با ابهام، پیچیدگی و دارای نوعی عدم انسجام بین جناح‌های مختلف سیاسی است و به نوعی می‌توان گفت فضای عدم تکرار آرایش‌های پیشین جریانات سیاسی است که به صراحت نمی‌توان آرایش جریانات سیاسی را قبل از انتخابات مجلس نهم پیش‌بینی و مهندسی آن را ترسیم کرد. به نظر می‌رسد، در انتخابات مجلس نهم رقابت‌ها در مقایسه با سایر دوره‌ها پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر باشد.

2- جریان فتنه و تجدیدنظرطلب در انتخابات 1388 شکستی سنگین خورد. این جریان در حال حاضر فاقد انسجام و برخوردار از طیفی از گفتمان و رفتار سیاسی دارد. تقسیم کار و تلاش‌های چندگانه و توأمانی را‌ این جریان در نظر دارد. برخی از نخبگان ‌این جریان اعتراف دارند در مقابل نظام ‌ایستاده‌اند، به شکست خود و اردوکشی خیابانی در مقابل نظام اعتراف دارند بر این اساس، بهره‌گیری از گسست ‌ایجاد شده توسط جریان انحرافی و گسست احتمالی بین اصولگرایان، فرصت انتخاباتی مجلس نهم را برای احیا و بازسازی تحت عنوان "رویکرد بازگشت به قدرت" مورد توجه آنان قرار داده است. گروهی از ‌این جریان که فاقد پایگاه اجتماعی هستند و امکان بازگشت به نظام را برای خود نمی‌بینند، برای فشار به نظام بر "رویکرد تحریم" در انتخابات تأکید دارند تا از ‌این طریق به بازسازی شبکه اجتماعی خود در داخل و خارج پرداخته و به زعم خود از نظام مشروعیت‌زدایی کنند. در نهایت گروهی با تأکید بر بهره‌گیری از فرصت انتخابات "رویکرد مشارکت فعال" را در انتخابات در پیش گرفته‌اند.

3- ظهور جریان انحراف در ساختار قدرت یکی از ویژگی‌های ‌این دوره است. هدف اصلی ‌این جریان استمرار حضور و توسعه آن در حاکمیت و تحمیل مطالبات خود به نظام است.‌ این جریان مختصات فکری ویژه‌ای دارد که مواضع و رفتارهای آن نشان داد، با وجود ظرفیت‌ها و مدل‌های رفتاری متفاوت ‌این جریان با جریان فتنه، لکن به لحاظ رویکرد نظری، گفتمان و اهداف با آن جریان هم‌پوشانی دارد، مهم‌ترین چالش پیش‌رو از طریق ‌این جریان، تأثیرگذاری بر فرایند انتخابات به ویژه در شهرهای کوچک برای نشانه‌گیری کرسی‌های انتخاباتی مجلس نهم است.

4- غرب که با مشارکت بالای مردمی در انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 مواجه شد، در صدد است با بهره‌برداری از پیامدهای التهاباتی که در آن زمان به‌وجود آمد، از حضور گسترده مردم در انتخابات نهم مجلس شورای اسلامی جلوگیری به عمل آورد. آنها با تبلیغات خود در پی القای این باورند که حضور یا عدم حضور مردم در انتخابات فرقی نمی‌کند و نتیجه آن از پیش مشخص شده است. از سوی دیگر، مواضع و رفتار گروه انحرافی می‌تواند موجی سرخوردگی برخی از آحاد مردم شود و به پیوند آنها با جامعه و نظام سیاسی لطمه وارد آورد و به ایجاد یا تشدید بحران هویت در میان بخشی از جامعه دامن بزند.

5- غرب همواره به‌دنبال به چالش کشیدن نظام جمهوری اسلامی است و براین باور است که خود انتخابات فی‌نفسه از ظرفیت لازم برای ایجاد چالش امنیتی برخوردار است. سال 1388 نشان داد انتخابات برای غرب یک فرصت است و می‌توان با انتخابات امنیت و مشروعیت نظام را هدف قرار داد.

6- تجربه انتخابات دهم نشان داد که راهبرد تحریم، انتخابات سرد و تلاش رسانه‌ای برای مشارکت حداقلی از دستور کار دولت‌های غربی و رسانه‌های وابسته به آن و جریان اپوزسیون و تجدیدنظرطلب خارج شده است و راهبرد جدید غرب برای تأثیرگذاری بر انتخابات، بسیج رسانه‌ای و همه جریانات و گروه‌های مخالف و معارض برای مشارکت حداکثری با تأثیرگذاری بر نگرش و باورهای ذهنی مردم به سمت کاندیدای خاص یا فهرست کاندیداهای گروهای خاص است. سناریوی غرب در انتخابات ‌این است که یا گزینه‌های مورد نظر ما باید رأی بیاورد و یا با برهم زدن بازی انتخابات ابطال شود.

7- تفاوت انتخابات مجلس با ریاست جمهوری در این است که در انتخابات ریاست جمهوری، انتخاب یک نفر در سطح ملی انجام می‌گیرد و عمدتاً چالش‌های امنیتی متأثر از انقلاب‌های رنگی ناشی از حرکت‌های اعتراضی به نتایج انتخابات در پایتخت‌ها بوده است، در حالی‌که چالش‌های انتخاب‌های محلی (انتخاب 300 نماینده مجلس از بین چندین برابر کاندیدا) بیشتر است. در صورت القای شبهه در سلامت انتخابات و تردید در اینکه رأی شما به حساب نیامده است، بی‌ثباتی و چالش در سطح ملی توزیع و به سطح شهرستان‌ها منتقل و در صورت فراگیری آن مهار و کنترل آن پیچیده‌تر خواهد شد.

8- انتخابات پیش‌رو می‌تواند تأثیراتی عمیق بر عمق راهبردی جمهوری اسلامی ‌در محیط خارجی داشته باشد. به عبارتی، می‌تواند دارای پیامدهای سیاسی افزایش‌دهندة قدرت نرم و آسیب‌پذیری‌های کاهش‌دهندة امنیت نرم باشد. ‌این انتخابات در صورتی که توسط نخبگان، مسئولان و مردم مراقبت و مدیریت نشود، می‌تواند بسترهای زیادی را برای بروز بحران ‌اعتماد، کارآمدی، هویت و انسجام به‌وجود آورد و به الگوی موفق و الهام‌بخش جمهوری اسلامی ‌و چهره مردم‌سالار ایران در محیط خارجی آسیب وارد کند و برداشت از جمهوری اسلامی ‌ایران و باورهای ذهنی را دگرگون سازد. در مقابل انتخابات نهم مجلس در پایان سال جاری می‌تواند به نمایش الگوی موفق "مردم‌سالاری دینی" تبدیل و افزایش اقتدار، همبستگی ملی و اعتماد مردم به نظام را به وجود آورد. جمهوری اسلامی ‌به عنوان الگوی کارآمد و الهام‌بخش "مدل مردم‌سالاری دینی" در سطح منطقه ظهوری مؤثرتر خواهد داشت، در شرایطی که "بیداری اسلامی" منجر به فروپاشی نظام‌های مرتجع، وابسته و استبدادی می‌گردد و جهان اسلام نیازمند کمک و تلاش مضاعف جمهوری اسلامی ‌و انتقال تجربه موفق "نظام مردم‌سالار دینی" است.

**فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی انتخابات نهم مجلس**

در مجموع با بهره‌گیری از تجارب انتخابات دهم ریاست جمهوری و با توجه به شرایط و ویژگی‌های انتخابات مجلس نهم موارد زیر را می‌توان به عنوان دستاوردهای احتمالی افزایش‌دهنده قدرت نرم و آسیب‌های احتمالی کاهش‌دهنده امنیت نرم در انتخابات پیش‌رو برشماری کرد:

**1لف) فرصت‌های احتمالیِ افزایش‌دهندة قدرت نرم**

1. مشارکت بی‌نظیر مردم در دهه چهارم انقلاب اسلامی؛
2. تجلی اقتدار، اعتماد و دلبستگی ملی؛
3. نمایش الگوی موفق مردم‌سالاری دینی برای منطقه هم‌زمان با وقوع و گسترش بیداری اسلامی؛
4. آشکار شدن مجدد هوشمندی ملت ‌ایران و نخبگان کشور در جنگ نرم دشمن ؛
5. سربلندی احزاب، گروه‌ها، نخبگان و سیاسیون جامعه در آزمون پیش ‌رو؛
6. نمایش اتحاد و هم‌گرایی همه علاقه‌مندان به نظام ؛
7. ورود تمامی ‌جریانات فعال اجتماعی و سیاسی درون نظام در رقابت‌های انتخاباتی؛
8. سرافرازی و موفقیت ملت ‌ایران در آزمون بزرگ هوشمندی پس از انتخابات؛
9. شکست جریان عظیم تبلیغات رسانه‌های غرب در مدیریت افکار عمومی؛ و
10. نمایش اعتماد و موفقیت رسانه ملی در مدیریت افکار عمومی.

**ب) آسیب‌های احتمالی کاهش‌دهنده امنیت نرم**

* 1. ایجاد شکاف اجتماعی و سیاسی در بین نخبگان و برخی اقشار جامعه؛
	2. خدشه‌دار شدن اعتماد ملی؛
	3. افزایش ابهامات و شبهات در سطوح جامعه؛
	4. سکوت و سردرگمی ‌نخبگان و گروه‌های مرجع در لحظه‌های مورد نیاز؛
	5. غفلت از ظرفیت جریان‌سازی و شبکه‌سازی رسانه‌های جدید؛
	6. غافل شدن از جنگ نرم رسانه‌ای دشمن؛
	7. غفلت از اقدامات طراحی شده دولت‌های غربی برای تأثیرگذاری بر انتخابات؛
	8. غفلت نخبگان در تبیین و روشنگری در شرایط حساس انتخابات؛
	9. تأخیر یا بی‌تدبیری در اقدام مناسب جهت مدیریت بحران‌های احتمالی؛
	10. کم‌توجهی به نقش و ظرفیت‌ اینترنت در مهندسی افکار عمومی؛
	11. ضعف در پیش‌بینی از چگونگی بروز و ظهور حوادث پس از برگزاری انتخابات؛ و
	12. تلاش ناکافی در ایجاد بسترهای اقناعی و مدیریت افکار عمومی‌.

|  |
| --- |
| در مجموع می‌توان استنباط کرد که ابعاد نرم‌افزاری امنیت در نگاه رهیافت امنیتی نرم، یک بعد کلیدی و اساسی است. بر همین اساس، چنانچه بعد نرم‌افزاری امنیت تقویت شود، خود به خود موجب افزایش قدرت نرم[[9]](#footnote-9) در امنیت ملی و افزایش آمادگی در برابر تهدیدها و به تبع آن، احتمالاً کاهش تهدید یا کاهش شدت و اثر آن خواهد بود. اما چنانچه ‌این بُعد از امنیت تضعیف شود، به معنای ظاهر شدن و رشد آسیب‌پذیری‌ها و به دنبال آن،‌ ایجاد بسترهای لازم برای تحولات محیطی و شکل‌گیری تهدیدهای جدید یا شدت یافتن و گسترش تهدیدهای فعلی خواهد بود. انتخابات را در این چارچوب می‌توان تحلیل کرد بدین معنی که چنانچه بُعد نرم‌افزاری امنیت ملی در انتخابات با مشارکت حداکثری، افزایش اعتماد، انسجام سیاسی و اجتماعی و آگاهی و هوشمندی مردم و نخبگان کشور تقویت شود، خود به خود موجبات افزایش قدرت نرم در امنیت ملی به عنوان پشتوانه نظام را فراهم خواهد کرد. اما چنانچه با بروز آسیب‌پذیری‌های داخلی و اقدامات دشمن امنیت نرم تضعیف شود، به معنای ظاهر شدن و رشد آسیب‌پذیری‌ها و بروز چالش و امنیتی شدن انتخابات و به دنبال آن،‌ ایجاد بسترهای جدید شکل‌گیری و گسترش تهدیدهای دشمنان انقلاب اسلامی ‌خواهد بود. مدل]الگو[ ارائه شده در پایان ‌این مقاله‌ این رابطه را به نمایش گذاشته است.  |

**ابعاد نرم افزاری امنیت ملی در انتخابات**

**شاخص های افزایش دهنده قدرت نرم شاخص های کاهش دهنده امنیت نرم**

**انسجام سیاسی**

**انسجام اجتماعی**

**مشارکت سیاسی**

**اعتماد عمومی**

**کارآمدی حکومت**

**مدیریت افکار عمومی**

 **گسست در جامعه و حاکمیت**

**کاهش اعتماد به رسانه ملی**

 **گرایش به رسانه‌های غربی**

**غفلت از اقدامات طراحی شده دشمن**

**ضعف در پیش‌بینی و مدیریت بحران**

**پیامدهای امنیتی شدن انتخابات**

**خدشه‌دار شدن اعتماد ملی و کارآمدی حکومت**

**کاهش عمق و تاثیر راهبردی نظام در محیط خارجی**

**ایجاد شکاف اجتماعی و سیاسی در جامعه و نخبگان**

 **بروز نافرمانی مدنی و افزایش تراز رفتارهای خشنونت‌آمیز**

**راهکارهای پیشنهادی**

**تلاش برای حضور حداکثری**

اصل مشارکت حداکثری مردم در انتخابات بسیار اساسی و تعیین‌کننده است و سبب عزت، اعتبار و اقتدار نظام جمهوری اسلامی‌ در صحنه بین‌المللی می‌شود. در واقع برگزاری یک انتخابات پرشور، با نشاط و با حداکثر حضور مردم از تمامی ‌جریانات و افراد با سلیقه‌های مختلف که نظام جمهوری اسلامی ‌را قبول دارند، اعتبار و جایگاه نظام را تقویت خواهد کرد. راهبرد مستمر و ثابت مقام معظم رهبری مدظله در همه دوره‌ها تأکید بر لزوم مشارکت حداکثری در انتخابات است.

«انتخابات یکی از عرصه‌های ظهور و بروز وحدت ما، عقلانیت ما و شعور ملی ما می‌تواند قرار بگیرد. بعضی خیال می‌کنند انتخابات، زمزمه‌های انتخاباتی، فضای انتخاباتی مایه اختلاف است؛ نه، می‌تواند مایة اتحاد باشد؛ می‌تواند تشجیع کنندة به سرعت عمل و پیشرفت باشد؛ با رقابت مثبت، هر گروهی سعی کند برای خدمتگذاری به ‌این ملت، سهم متناسب با خودشان را که لایق خودشان می‌دانند، به‌دست بیاورند. هیچ اشکالی ندارد ‌این رقابت مثبت به جامعه نشاط می‌بخشد، ما را زنده دل می‌کند، روح جوانی را بر جامعه ما حاکم می‌کند» (مهر، 1386).

«به نظر من مسئله اول در انتخابات، مسئله ‌این شخص و آن شخص نیست؛ مسئله اول، مسئله حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های نظام را مستحکم می‌کند. آبروی ملت را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی‌ها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف می‌کند (اردیبهشت، 1388).

از راهبرد یاد شده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که انتخابات پرشور و همراه با حضور حداکثریِ همه جریانات معتقد به نظام به‌دور از رقابت‌های مخرب یکی از راهکارهای تقویت امنیت ملی است، چرا که ‌این حضور حداکثری سرمایه اجتماعی را که میزان مشارکت، اعتماد و آگاهی ملت ‌ایران است به نمایش می‌گذارد. همچنین حضور حداکثری مردم در انتخابات می‌تواند در برابر تهدیدات دشمن بازدارندگی به‌وجود آورد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری ‌این حضور را مانع طمع‌ورزی دشمنان در اعمال تهدید و فتنه می‌دانند.

انتخابات یکی از رویدادهای مهم جمهوری اسلامی ‌است که مردم‌سالاری دینی نظام را به نمایش می‌گذارد. برای دشمنان جمهوری اسلامی ‌فرصتی است برای به چالش کشیدن انسجام و کارآمدی نظام. بنابراین دشمن در همه دوره‌ها با انواع و اقسام ترفندها و با بهره‌گیری از اختلافات داخلی و ظرفیت رسانه‌ای تلاش نموده به انتخابات سرد و کم رونق دامن زند. حضور حداکثری می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای مقابله با جنگ نرم دشمن در زمان انتخابات به شمار آید.

**پیش‌بینی اقدامات دشمن**

جنگ نرمی ‌که در حال حاضر علیه جمهوری اسلامی ‌در جریان است جنگی پیچیده و دارای ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و امنیتی است. لازمه "پیشگیری" و اقدام هوشمندانه و به موقع در مقابل ‌این جنگ، "پیش‌بینی" قبل از وقوع و "غفلت‌زدایی" در کشور است. متأسفانه اقدام طراحی شده دشمن در "براندازی نرم" در انتخابات سال 1388 توسط برخی از نخبگان و دستگاه‌های مسئول به موقع برآورد و پیش‌بینی نشد و یا باور به وجود ‌این جنگ در برخی از دستگاه‌ها و نخبگان به‌وجود نیامد و هنوز هم ‌این باور در برخی از آنان وجود ندارد. به همین جهت، در این جنگ برخی از دستگاه‌های مسئول و نخبگان منفعل شدند و از قبل آمادگی برای مواجهه با‌ این نبرد را نداشتند. دشمن با مدیریت ادراک برخی از نخبگان، آنها را در تحلیل درست حوادث پس از انتخابات دچار مشکل کرد. واقعیت ‌این است که، در حال حاضر یک کارزار فکری، سیاسی و امنیتی علیه نظام جمهوری اسلامی‌ در جریان است. هر کس بتواند بر این صحنة کارزار و نبرد تسلط پیدا کند و احاطة ذهنی داشته باشد، خواهد توانست با ابتکار عمل اقدام کند، در غیر این صورت کشور هزینه‌های سیاسی و امنیتی زیادی پرداخت خواهد کرد.

غفلت امنيتي یا نادیده گرفتن تهدیدات پیش ‌روی یک نظام سیاسی به معنای ‌این است که ارزش امنيتي موضوعات و رویدادها كمتر از آنچه هست ارزيابي شود و یا به طور کلی تهدید برآورد و دیده نشود. در اين وضعيت چون کشور مورد هدف در شناسایی و برآورد تهدیدات ناتوان است، بهترين حالت براي مهاجم فراهم مي‌شود. همان‌گونه که در حال حاضر برخی از نخبگان و مسئولان نظام، جنگ نرم را تاکنون نپذیرفته و آن را باور ندارند. بی‌تردید آنان دچار غفلت امنیتی‌اند، چون در برآورد دقیق تهدیدات امنیت ملی اشکال دارند.

تجربه انقلاب‌های رنگی که شیوه‌ای برای براندازی نرم با بهره‌گیری از فرصت‌های انتخاباتی است، نشان داده است که انتخابات در کشورهای مورد هدف غرب، یکی از فرصت‌ها و بسترهایی است که با اقدامات طراحی شده به چالش کشیده می‌شود. بنابراین انتخابات برای دشمنان نظام جمهوری اسلامی ‌رویدادی مهم و مورد توجه است که بر روی آن سرمایه‌گذاری رسانه‌ای، سیاسی و امنیتی می‌شود. در حال حاضر صدها صفحه سند در کانون‌های تفکر و مراکز تصمیم‌ساز غرب برای چگونگی تأثیرگذاری بر انتخابات وجود دارد. دستگاه‌ها و نهادهای مسئول و نخبگان کشور باید اهداف، راهبرد، شیوه‌ها و تکنیک‌های تأثیرگذاری دشمن بر انتخابات را از قبل برآورد و پیش‌بینی کنند تا بتوانند با اقدامات به موقع و هوشمندانه از آن پیشگیری نمایند. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«یک شطرنج‌باز ماهر هر حرکتی را که می‌کند، تا سه یا چهار تا حرکت بعد از او را هم پیش‌بینی می‌کند. شما‌ این حرکت را می‌کنی، رقیبت در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که تو چه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوم، تو در می‌مانی، امروز‌ این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی – حالا تعبیر بهترش ‌این است- توی ‌این کار، توی ‌این بازی، توی‌ این حرکت، ناشی هستی، ناواردی. ‌اینها نمی‌فهمند چه کار می‌کنند؛ یک حرکتی را شروع می‌کنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور در خواهند ماند؛ مات خواهند شد.» (دیدار با جمعی از نخبگان علمی‌کشور؛ آبان 1388).

**پرهیز از چالش‌های داخلی**

در جنگ نرم آسیب‌پذیری‌های داخلی بسترساز جنگ نرم است. به عبارتی جنگ نرم مجموعه اقدامات طراحی شدة دشمن برای به چالش کشیدن نظام‌های سیاسی از درون است. منظور از آسيب‌پذيري آن دسته از ضعف‌هاي كشور است كه از سویی دشمنان انقلاب اسلامی ‌را به انجام اقدام‌های چالشی با بهره‌گیری از فرصت انتخابات تشويق مي‌كند و از سوی ديگر جمهوری اسلامی ‌ایران را که آماج تهدید است براي پاسخگويي به چالش‌ها و تهديدات امنیت ملی در زمان انتخابات با مشكلاتي مواجه مي‌سازد. آسيب‌ها و چالش‌هاي داخلي در تسريع تهديدات خارجي مؤثرند. توانايي مقابله با تهديد خارجي را در زمان انتخابات و در شرایط بحران كاهش مي‌دهند. اقدام به جنگ اعم از سخت یا نرم علیه یک نظام سیاسی، همواره با ‌این تصور و برآورد درست یا غلط صورت می‌گیرد که طرف مقابل دارای آسیب‌پذیری جدی است و با درگیر شدن در جنگ کشور هدف، دچار چالش‌های جدی امنیت ملی خواهد شد. ضعف در انسجام اجتماعی، بی‌ثباتی و اختلاف در حاكميت و نخبگان جامعه، ضعف در پیش‌بینی تهدید دشمن، قانون‌ستیزیِ کاندیداها، گروه‌های سیاسی و نخبگان کشور، کاهش اعتماد به رسانه ملی و ضعف در اقناع‌گری جامعه و مدیریت افکار عمومی ‌در زمان انتخابات، برخی از مصادیق آسیب‌پذیری امنیت ملی و چالش‌های داخلی است که در صورت فعال شدن آنها هم‌زمان با انتخابات می‌تواند انتخاباتی را که مؤلفه قدرت و پشتوانه نظام است به چالش امنیت ملی تبدیل کند.

یکی از دلایل موفقیت و به نتیجه رسیدن انقلاب‌های رنگی در برخی از کشورهای هدف، ناکارآمدی آن نظام‌های سیاسی است. انقلاب رنگی در کشوری به نتیجه می‌رسد که از پیش، مشروعیت و اعتماد به آن نظام در درون جامعة هدف مخدوش شده باشد. در کشوری که تراز روحیه ملی، انسجام، مشروعیت و اعتماد ملی بالا است قطعاً شکست انقلاب رنگی از قبل قابل پیش‌بینی است.

یکی از راهبردهای مقام معظم رهبری در هر انتخاباتی رعایت اخلاق، قانون و پرهیز از ستیز و چالش‌های داخلی از سوی مجریان، نامزدها و طرفداران آنهاست. معظم‌له پیش از انتخابات مجلس هشتم می‌فرمایند:

«در همین انتخابات اگر بد عمل بکنیم، به هم بد بگوییم، با هم کینه‌ورزی کنیم، به یکدیگر تهمت بزنیم، برخلاف قانون عمل و مقررات رفتار کنیم، می‌تواند وسیله سقوط و ضعف و انحطاط باشد؛ دست خود ماست؛ امتحان الهی است» (مهر، 1386). همچنین معظم‌له پیش از انتخابات دهم ریاست جمهوری بارها نامزدهای انتخاباتی را از درگیری و اصطکاک، اظهارات خلاف و دور از انصاف و سیاه‌نمایی کشور پرهیز ‌دادند.

«نامزدهای محترم توجه داشته باشند؛ اذهان عمومی‌ را تخریب نکنند. ‌این همه نسبت خلاف دادن به‌ این و آن، تخریب کننده اذهان مردم است» (اردیبهشت، 1388). مراقب باشید که ‌این علاقه‌مندی‌ها (منظور علاقه‌مندی طرفداران نامزدها) به اصطکاک و اغتشاش نینجامد» (خرداد،1388).

معظم‌له در 29 خرداد 1388و در اولین نماز جمعه پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری با اعلام صریح به گروه‌ها و جریانات فتنه‌انگیز برای پرهیز از چالش‌های امنیتی پس از انتخابات فرمودند: «اگر امروز چارچوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، برطبق قانون. اگر واقعاً شبهه‌ای هست، از راه قانونی پیگیری بشود قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست» (خرداد، 1388).

**آگاه‌سازی و تبیین شاخص‌های انتخاب**

دادن تحلیل درست به جامعه در بارة تحولات جهانی، منطقه‌ای و داخلی کشور و تبیین نقش و تأثیر انتخابات مجلس شورای اسلامی‌ در این شرایط استثنایی، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. آگاه‌سازی و بصیرت ابعادی مختلف دارد. مجلس دارای جایگاه والایی در نظام جمهوری اسلامی ‌است. بنابراین یک مجلس کارآمد می‌تواند پشتوانه مؤثری برای مجموعه نظام باشد. یکی از اقدامات ضروری، تبیین شاخص‌های انتخاب نمایندگان است. برای جلوگیری از چالشی شدن انتخابات بر شاخص‌هایی باید تأکید شود که سطح هم‌گرایی و انسجام را در چارچوب آرمان و ارزش‌های انقلاب اسلامی‌ در کشور تقویت کند. با بررسی تجربة بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی ‌و نقاط قوت و ضعف هشت دوره مجلس می‌توان ویژگی‌ها و شاخص‌هایی را تبیین و در این چارچوب روشنگری و آگاه‌سازی کرد. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در مجلس نهم لازم است، مورد تأکید قرار گیرد عبارت است از:

1- ولایت‌مداری؛ نماینده مجلس باید تحقق سیاست، راهبرد، مواضع و مطالبات مقام معظم رهبری مدظله العالی را با تمام وجود، پیگیری و دغدغه خود قرار دهد.

2- کارآمدی؛ مجلس نیازمند افراد متخصص و با تجربه در کمیسیون‌های مختلف آن است. به یقین نمایندة کارآمد نماینده‌ای است که از دانش و تجربه‌های تخصصی لازم و مورد نیاز مجلس برخوردار باشد.

3- توجه به مصالح ملی؛ نمایندگان مجلس شورای اسلامی ‌باید مصالح ملی را بر مصالح گروهی، قومی‌ و محلی ترجیح دهند. رفتار و مواضع آنان باید وحدت، امنیت و اقتدار ملی را تقویت کند.

4- قانون‌مداری و عقلایی بودن؛ دوری از افراط و تفریط و حرکت بر مبنای عقلانیت و قانون باید از ویژگی‌های بارز یک قانون‌گذار باشد.

5- عدم وابستگی به کانون‌های قدرت و ثروت؛ به طور طبیعی جریانات سیاسی و کسانی که به هر ترتیبی برای رأی آوردن یک کاندیدا سرمایه‌گذاری مالی می‌کنند، چشمداشت‌هایی دارند. خطری که انتخابات را در کشور اسلامی ‌بی‌هویت می‌سازد‌ این است که کاندیداها از ارزش‌های اخلاقی فاصله گرفته و نماینده مجلس، وام‌دار کانون‌های قدرت و ثروت شود. یا با هزینه‌های کلان و شیوه‌های تبلیغی پرهزینه و طرح مسائل غیرواقع در بارة کشور و تولید چالش در افکار عمومی، ورود به مجلس را به هر قیمت، هدف قرار دهد. به عبارتی نماینده‌ای که به‌ هر قیمت به‌دنبال کسب پیروزی در انتخابات است و فاقد مبانی و استقلال فکری باشد، نخواهد توانست در مجلس شورای اسلامی، اهداف و ارزش‌های نظام و انقلاب اسلامی ‌را نمایندگی کند.

6- برخورداری از پشتوانه بالای رأی مردم؛ نماینده باید بتواند با برخورداری از پشتوانه بالای رأی مردم انتخاب شود. بنابراین هر چه نمایندگان از آراء بیشتری برخوردار باشند، خواهند توانست به عنوان برایند بیشتر افکار عمومی‌ و شهروندان عمل کنند.

**جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

انتخابات یکی از شرایط و ابزار تحقق مردم‌سالاری و از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی است، به طوری که محور اصلی مشارکت سیاسی، مشارکت انتخاباتی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون به ویژه در عرصه سیاسی و در فرایند تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و اداره جامعه فراهم شد.

حواشی انتخابات ریاست جمهوری و رخدادهای پس از آن در سال 1388 فرصت دیگری بود برای آنان که
سال‌ها زوال انقلاب را آرزو می‌کردند و فرصتی فراهم آورد تا به مدد آن، فضای عمومی ‌جامعه را با التهاب عجین نمایند.

به یقین انتخابات دهم ریاست جمهوری با توجه به شرایط خاص و ویژگی‌های منحصر به فردش دستاوردها و پیامدهای خاصی در همۀ بخش‌ها داشته است، همچنین رویدادهای پس از‌ این انتخابات، آسیب‌هایی بر نظام وارد کرد. اما آنچه می‌توان به اجمال مورد تأکید قرار داد. ‌این است که دشمنان انقلاب اسلامی ‌با تجربه انتخابات دهم ریاست جمهوری و کپی‌برداری از انقلاب‌های رنگی براین باورند که تنها راه فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ‌بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و متعارف همانند انتخابات برای فروپاشی از درون است. انتخابات دهم ریاست جمهوری ‌این باور را در قدرت‌های غربی تقویت کرد و از ‌این جهت می‌توان گفت در فهرست طرح‌های مختلف امریکایی رهیافت فروپاشی از درون با تبدیل انتخابات به چالش امنیتی تقویت شد.

در این مقاله گفته شد، چنانچه بُعد نرم‌افزاری امنیت ملی در انتخابات با مشارکت حداکثری، افزایش اعتماد، انسجام سیاسی و اجتماعی و آگاهی و هوشمندی مردم و نخبگان کشور تقویت شود، خود به خود موجبات افزایش قدرت نرم در امنیت ملی به عنوان پشتوانه نظام را فراهم خواهد نمود. اما چنانچه با بروز آسیب‌پذیری‌های داخلی و اقدامات دشمن امنیت نرم تضعیف شود، به معنای ظاهر شدن و رشد آسیب‌پذیری‌ها و بروز چالش و امنیتی شدن انتخابات و به دنبال آن،‌ ایجاد بسترهای جدید شکل‌گیری و گسترش تهدیدهای دشمنان انقلاب اسلامی‌ خواهد بود.

تلاش برای مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، پرهیز از چالش‌ها و آسیب‌پذیری‌های داخلی، تبیین و آگاه‌سازی افکار عمومی ‌و پیش‌بینی اقدامات دشمن برخی از راهکارهایی است که می‌تواند قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ‌را در انتخابات تقویت و از امنیتی شدن انتخابات نهم مجلس شورای اسلامی‌ پیشگیری کند.

**منابع**

در نسخه چاپی فصلنامه موجود است.

1. عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) [↑](#footnote-ref-1)
2. *velvet revolution* [↑](#footnote-ref-2)
3. *Gene Sharp* [↑](#footnote-ref-3)
4. *From Dictatorship to Democracy*  [↑](#footnote-ref-4)
5. *Soros Foundation* [↑](#footnote-ref-5)
6. *Open Society Institute OSI* [↑](#footnote-ref-6)
7. *Shevardnadze* [↑](#footnote-ref-7)
8. [↑](#footnote-ref-8)
9. - softe power [↑](#footnote-ref-9)